Submit Date: 21 April 2026
Revise Date: 25 August 2026
Accept Date: 01 September 2026
Initial Publish: 16 November 2026
Final Publish: 20 February 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

An Examination of Legal Strategies for Enhancing Competitiveness in International Commercial Contracts with an Emphasis on Reforming Banking and Financing Regulations

Mahdieh Ilan Keshkoli[1], Mohammad Bagher Feijan[1]*

1. Department of Law, NoM.C., Islamic Azad University, Noorabad Mamasani, Iran

* Corresponding Author's Email: Mohammad.Fijan@iau.ac.ir

ABSTRACT

This article aims to examine legal strategies for enhancing competitiveness in international commercial contracts, with an emphasis on reforming banking and financing regulations, using a descriptive-analytical method. One of the major issues associated with the internationalization of the economy and the enhancement of the competitiveness of Iranian banks concerns the extent and share of government intervention in the domestic economy in the process of achieving internationalization. Banks are among the most important sectors of a country's economy and, as financial and service institutions, play a decisive role in the circulation of money throughout society. The findings of the study indicate that establishing a customer credit assessment structure and developing electronic banking constitute important strategies for the structural reform of the banking system with the aim of preventing administrative corruption. Legal strategies relating to banking regulations for enhancing the competitiveness of international commercial contracts include revising economic laws and ensuring their proper implementation, developing electronic banking, reducing banking corruption through accession to international institutions, liberalizing and privatizing banks, harmonizing national laws with international rules and standards, and ensuring continuous and rigorous judicial supervision to prevent corruption. It can also be concluded that the more effectively national institutions and the legal system promote competition and private ownership and adapt to the constantly changing needs of the national economy, the more favorable the performance of the banking system will be. Furthermore, the fewer the restrictive regulations governing entry into and activities within the banking system, and the more rigorous the regulations concerning supervision and internal controls—such as information transparency, provisioning standards, capital adequacy, effective corporate governance, and private-sector monitoring and oversight—the greater the efficiency of the banking system will be and the lower the likelihood of banking crises.

Keywords: *Competitiveness Enhancement, International Commercial Contracts, Reform of Banking and Financing Regulations, Legal Strategies.*

How to cite: Ilan Keshkoli, M. & Feijan, M. B. (2026). An Examination of Legal Strategies for Enhancing Competitiveness in International Commercial Contracts with an Emphasis on Reforming Banking and Financing Regulations. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *4*(6), 1-35.

تاریخ ارسال: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۳ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۰ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲۵ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ اسفند ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی راهکارهای حقوقی ارتقای توان رقابت پذیری در قراردادهای تجاری بین المللی با محوریت اصلاح مقررات بانکی و تامین مالی

مهدیه ایلان کشکولی[۱]، محمدباقر فیجان[۲*]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران
۲. گروه حقوق، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران
* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Mohammad.Fijan@iau.ac.ir

چکیده

این مقاله با هدف بررسی راهکارهای حقوقی ارتقای توان رقابت پذیری در قراردادهای تجاری بین المللی با محوریت اصلاح مقررات بانکی و تامین مالی با روش توصیفی و تحلیلی تدوین شده است. یکی از مسائل مهم بین المللی شدن اقتصاد و ارتقای رقابت پذیری بانک های ایران، میزان و سهم دخالت دولت در عرصه اقتصاد داخلی، با تحقق بین المللی شدن است. بانک‌ها از جمله بخش‌های مهم در اقتصاد کشور تلقی می‌شوند که به عنوان مؤسسات مالی وخدماتی، نقشی تعیین‌کننده در گردش پول جامعه بر عهده دارند. یافته های پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد ساختار اعتبارسنجی مشتریان و توسعه بانکداری الکترونیکی از جمله راهکارهای اصلاح ساختاری نظام بانکی با هدف پیش‌گیری از فساد اداری هستند. راهکارهای حقوقی مقررات بانکی در ارتقای رقابت پذیری قراردادهای تجاری بین المللی، شامل؛ بازنگری قوانین اقتصادی و اجرای صحیح آن، توسعه بانکداری الکترونیکی، کاهش فساد بانکی با پیوستن به به نهادهای بین المللی، آزاد سازی و خصوصی سازی بانک ها، متحدالشکل کردن قوانین ملی با بین المللی، نظارت مستمر و با صلابت قوه ی قضاییه در جلوگیری از فساد می باشد. هم‌چنین می‌توان نتیجه گرفت که هرچه نهادهای ملی و نظام حقوقی بیش‌تر مشوق رقابت و مالکیت خصوصی باشند و بتوانند متناسب با نیازهای هماره در حال تغییر اقتصاد ملی متحول شوند، عملکرد نظام بانکی نیز مطلوب‌تر خواهد بود. ضمن آن‌که هرچه مقررات محدودکننده بر ورود و فعالیت‌های نظام بانکی کم‌تر باشد و از آن طرف، مقررات مربوط به نظارت و کنترل‌های داخلی نظیر: شفاف‌سازی اطلاعات، استانداردهای ذخیره‌گیری، کفایت سرمایه، راهبری اثربخش بنگاه، و کنترل و نظارت بر آن توسط بخش خصوصی دقیق‌تر باشد، کارآیی نظام بانکی نیز افزایش خواهد یافت و احتمال وقوع بحران در آن کم‌تر خواهد بود.

کلیدواژگان: *ارتقای توان رقابت پذیری، قراردادهای تجاری بین المللی، اصلاح مقررات بانکی و تامین مالی، راهکارهای حقوقی.*

نحوه استناددهی: ایلان کشکولی، مهدیه.، و فیجان، محمدباقر. (۱۴۰۵). بررسی راهکارهای حقوقی ارتقای توان رقابت پذیری در قراردادهای تجاری بین المللی با محوریت اصلاح مقررات بانکی و تامین مالی . *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴ (۶)، ۳۵-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

در عرصه تجارت بین‌الملل، بانک‌ها نقش عمده و مهمی را بر عهده دارند و در این میان، انعقاد قراردادهای حقوقی نقش بسزایی در ارتقای توان رقابت‌پذیری بانک‌ها و تأمین منابع مالی آن‌ها خواهد داشت. با بررسی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و داخلی مؤثر بر این قراردادها و مقرراتی که بر آن‌ها وضع کرده‌اند، سعی شده تا شرایط حاکم بر آن‌ها تا حدی روشن شود و تفکرات قانون‌گذاران و مسیر سیاست‌گذاری آن‌ها به جهت هدایت این قراردادها بر ما روشن‌تر از قبل گردد. در نظام بین‌المللی کنونی که فضای دیجیتال آن‌ها را مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته کرده است، توان رقابت‌پذیری در سطح جهانی دولت‌ها را ناگزیر کرده که با هدف حمایت از قراردادها، اختلاف‌های ناشی از تفاوت قوانین ملی را به حداقل برسانند و قواعدی متناسب با شرایط جدید و موضوعات جدید بین‌المللی وضع کنند. (Ebrahimi, 2018) بنابراین، به نظر می‌رسد که سطح مشخصی از هماهنگی در قوانین بین‌المللی ضروری بوده و در غیر این صورت، امنیت حقوقی فعالیت‌های اقتصادی، به علت عدم قطعیت قواعد، به مخاطره می‌افتد. امروزه دولت‌ها بر این امر واقف هستند که رشد روزافزون اقتصادی، وابسته به همکاری تجاری است و در سایه آن، روابط دوستانه، صلح و امنیت نیز تأمین می‌شود و اختلاف‌های کنونی، تنها در رابطه با انتخاب موضوعات ضروری برای متحدالشکل‌سازی و همچنین میزان و محدوده‌ای می‌باشد که دولت‌ها حاضرند به نفع قوانین هماهنگ، از حاکمیت قوانین ملی خود صرف‌نظر کنند. پس از فراگیر شدن گزارشگری مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی در جهان، در سال ۱۳۹۵ سازمان حسابرسی به‌عنوان نهاد تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری و حسابرسی در ایران اقدام به پذیرش آن نمود. اما شواهد عینی نشان می‌دهد صورت‌های مالی شرکت‌ها همچنان بر مبنای استانداردهای حسابداری ملی تهیه می‌شود و اقبال چندانی به استانداردهای بین‌المللی نشده است. به نظر می‌رسد این واقعیت بیانگر آن است که الزام شرکت‌ها بدون ملاحظه موانع و زیرساخت‌های شرکت‌ها فاقد اثربخشی لازم بوده و از این رو، ضرورت انجام پژوهش عمیق در این زمینه، دوچندان می‌شود. (Nasehifar et al., 2021)

راهکارهای حقوقی اصلاح ساختاری نظام بانکی با هدف پیشگیری از فساد اداری و ارتقای رقابت‌پذیری در سطح فراملی متعدد و متنوع است که ایجاد ساختار اعتبارسنجی مشتریان و توسعه بانکداری الکترونیکی از جمله راهکارهای اصلاح ساختاری نظام بانکی با هدف پیشگیری از فساد اداری هستند. در واقع، هرچه نهادهای ملی و نظام حقوقی بیشتر مشوق رقابت و مالکیت خصوصی باشند و بتوانند متناسب با نیازهای دائماً در حال تغییر اقتصاد ملی، متحول شوند، عملکرد سیستم بانکی در سطح فراملی نیز مطلوب‌تر خواهد بود. ضمن آنکه هرچه مقررات محدودکننده بر ورود و فعالیت‌های سیستم بانکی کمتر باشد و از آن طرف، مقررات مربوط به نظارت و کنترل‌های داخلی نظیر شفاف‌سازی اطلاعات، استانداردهای ذخیره‌گیری، کفایت سرمایه، راهبری اثربخش بنگاه، و کنترل و نظارت بر آن توسط بخش خصوصی دقیق‌تر باشد، کارایی سیستم بانکی نیز افزایش خواهد یافت و احتمال وقوع بحران در آن کمتر خواهد بود. در واقع، فرآیندهای بانکی شفاف و غیر فسادزا می‌توانند در کاهش فساد اداری در کشور اثر بگذارند و در مقابل، هرچه این فرآیندها غیردقیق، ناشفاف و فسادزا باشند، به‌عنوان کاتالیزور عمل می‌کنند و منجر به افزایش فساد خواهند شد. سرمایه‌گذارانی که در سهام بانک‌ها و شرکت‌های تابعه آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند و به‌منظور حفظ و افزایش سرمایه ناگزیرند تمامی مخاطرات سرمایه‌گذاری خود را بررسی کنند که یکی از این عوامل، فساد مالی در بانک‌ها و شرکت‌های تابعه آن‌هاست که ناشی از ضعف سازوکارهای حقوقی در این زمینه است. (Piltan, 2012)

یکی دیگر از مسائل مهم بین‌المللی شدن اقتصاد و ارتقای رقابت‌پذیری بانک‌های ایران، میزان و سهم دخالت دولت در عرصه اقتصاد داخلی، با تحقق بین‌المللی شدن است. برخی از متفکران به این نظر قائلند که با بین‌المللی شدن اقتصاد، دولت ملی زائل شده و تأکید بر حاکمیت مطلق دولت امری نادرست خواهد بود. برخی دیگر معتقدند که با بین‌المللی شدن، همچنان دولت ملی است که نقش اصلی را ایفا می‌نماید و از حاکمیت آن کاسته نمی‌شود. در میان این دو دسته از نظرات باید اذعان کنیم که با وجود تفکیک میان کشورهای غنی و فقیر، با بین‌المللی شدن اقتصاد، دخالت دولت در عرصه اقتصاد مانند گذشته نخواهد بود و وظیفه دولت از ورود در اقتصاد به مدیریت و تنظیم‌گری اقتصادی تغییر خواهد یافت. صنعت بانکداری در ایران به دلیل عدم توسعه کافی بازار سرمایه و ناکارایی‌های موجود در این بازار، عهده‌دار اصلی تأمین مالی بلندمدت و کوتاه‌مدت فعالیت‌های اقتصادی است. بر همین اساس، اعطای وام و تسهیلات بخش مهمی از عملیات تأمین مالی هر بانک را تشکیل می‌دهد، اما احتمال عدم بازپرداخت به‌موقع وام و تسهیلات باعث ریسک اعتباری در بانک‌ها می‌شود و بی‌توجهی در این زمینه می‌تواند منجر به نتایج نامطلوبی در عملکرد بانک‌ها شود. حال اگر میزان ریسک در بانک‌های دولتی و خصوصی تفاوت قابل‌توجهی از هم داشته باشند، در این صورت نیز تأثیر چنین ریسکی بر عملکردهای این بانک‌ها متفاوت خواهد بود. (Tanhaei, 2020)

همچنین تحریم، یکی از ابزارهای اجبارکننده بین‌المللی دولت‌ها برای تغییر رفتار آن‌ها است که با هدف تغییرات چشمگیر و بنیادین در هنجارها، ساختارها و رفتارهای کشورها اعمال می‌شود. سیستم بانکی در ایران به‌عنوان بازوی دولت به شمار رفته و بخش مهمی از موفقیت برنامه اقتصادی نظام متأثر از میزان توانمندی نظام بانکی است که با تحریم بانک‌ها، مورد هدف قرار گرفته است. تحریم‌های بانکی باعث افزایش ریسک سرمایه‌گذاران خارجی و اختلال در سیاست‌های پولی و اقتصادی شده و کشور را با کمبود منابع ارزی و کاهش رشد اقتصادی مواجه خواهد کرد. (Beigi, 2021a)

تعریف رقابت‌پذیری

رقابت‌پذیری به معنای توانایی سازمان در جهت ماندگاری در کسب‌وکار و محافظت از سرمایه‌های سازمان، به‌دست آوردن (بازگشت) سرمایه‌ها و تضمین شغل‌ها در آینده است. رقابت‌پذیری تعریف واحدی ندارد؛ اما در تمامی تعریف‌های ارائه‌شده، این وجوه مشترک در آن‌ها دیده می‌شود که رقابت‌پذیری، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که یک شرکت، صنعت، منطقه و کشور از آن بهره‌مندند و می‌توانند آن‌ها را حفظ کنند تا در صحنه بین‌المللی توانایی افزایش سهم بازار و سوددهی بالا برای یک دوره طولانی را داشته باشند. رقابت‌پذیری در بین شرکت‌ها یعنی امکان به‌دست آوردن موفقیت مناسب و پایدار در صنعت و بازاری که شرکت در آن فعالیت می‌کند. حال با توجه به چنین دیدگاهی، هرچه شرکت‌ها توان بیشتری در به‌دست آوردن سهم بازار محصولی که تولید می‌کنند به دست آورند، در نتیجه گوی سبقت را از دیگر رقبای خود می‌ربایند و در نتیجه این امر، شرکت‌ها رشد و پیشرفت خواهند کرد. (Mobini Dehkordi & Rasoulnejad, 2011) رقابت‌پذیری را به‌عنوان توانایی اقتصادی بنگاه برای ثابت نگه‌داشتن سهم خود در بازارهای بین‌المللی یا افزایش سهم خود در بازار هر فعالیتی تعریف می‌کند که انجام می‌دهد. سهم بازار (مقدار فروش شرکت) دربردارنده موقعیت بازار شرکت و نیز اندازه نسبی شرکت است. به عبارت دیگر، مقدار فروش شرکت می‌تواند نشان‌دهنده میزان نفوذ شرکت در بازار باشد و می‌تواند به‌طور غیرمستقیم دلالت بر شهرت، تشخیص، قابلیت‌های توزیع یا حتی کیفیت واقعی شرکت داشته باشد. در کل، مقدار فروش شرکت حاکی از اندازه شرکت نسبت به دیگر رقبای بالقوه، بخش‌ها یا کل بازار است. معمولاً این

استنباط وجود دارد که هرچه سهم بازار (مقدار فروش شرکت) شرکت بیشتر باشد، آن شرکت موفق‌تر است. (Mishkin, 2009) هرچه تعداد رقبای تجاری در صنعت زیادتر باشد، شرکت برای به‌دست آوردن سهم فروش و تأمین مالی با تعداد رقبای بیشتری روبه‌رو می‌شود و برای تأمین نیازهای خود مجبور به رقابت با تعداد بیشتری از شرکت‌هاست؛ در نتیجه، هرچه تعداد رقبا در صنعت بیشتر باشد، رقابت در آن صنعت نیز شدت بیشتری پیدا می‌کند. از دیدگاه دانشکده کسب‌وکار هاروارد، رقابت‌پذیری ملی معیاری است که برای سنجش میزان توانایی یک کشور در ایجاد، تولید و ارائه خدمات در عرصه جهانی به‌کار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که نرخ بازگشت بالایی در منابع مصرفی را همراه خود داشته باشد. (Meshki Miaoghi & Delirian, 2015)

سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی، رقابت‌پذیری را توانایی یک کشور در بازار آزاد برای تولید محصول و ارائه خدمات می‌داند، به‌گونه‌ای که فرایند با آن، توسعه و حفظ درآمد واقعی شهروندان خود در درازمدت را به همراه داشته باشد. با توجه به تعاریف ارائه‌شده، رقابت‌پذیری در اثر ترکیبی از دارایی‌ها و فرایندها به وجود می‌آید که یا به‌صورت موهبتی است (منابع طبیعی) یا اینکه بشر آن را به وجود آورده است (زیرساخت‌ها).

سطوح رقابت‌پذیری

رقابت‌پذیری مفهومی چندبعدی است که می‌تواند در دیدگاه‌های مختلف ملی، صنعت و سازمان مورد بررسی قرار گیرد. ریشه کلمه رقابت‌پذیری برگرفته از واژه لاتین competator است که به معنای رقابت در بازارهای تجاری است. این واژه برای بیان توان اقتصادی واحد در مقابل رقبایش در بازارهای جهانی است که کالاها، خدمات، افراد، مهارت‌ها و ایده‌ها در سطوحی فراتر از مرزهای جغرافیایی عرضه می‌شوند. (Karimi & Mohammadi, 2020) در حال حاضر، رقابت‌پذیری موضوعی محوری در سراسر دنیا محسوب می‌شود و از آن به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب و توسعه پایدار استفاده می‌شود. در اقتصاد بین‌المللی، رقابت‌پذیری را به‌صورت امکان به‌دست آوردن موقعیت مناسب و پایدار در بازارهای جهانی تعریف کرده‌اند. در عصری که جهانی شدن، فرایندی رو به گسترش تلقی می‌شود، رقابت‌پذیری موضوعی مهم بین سیاست‌گذاران در سطوح مختلف ملی، صنعت و سازمان به شمار می‌آید. (Linan de Bellefonds, 2011)

رقابت‌پذیری در سطح شرکت، توان شرکت در طراحی، تولید یا ارائه محصولاتی تعریف می‌شود که در مقابل محصولات رقبا و در مقابل هزینه‌ای برابر، قیمت پایین‌تر یا کیفیت بهتر داشته باشد. در مورد رقابت‌پذیری صنایع نیز باید به این نکته اشاره کرد که یک صنعت، در صورتی می‌تواند رقابت کند که سازمان‌های وابسته به آن، توان رقابتی زیادی داشته باشند. از تعاریف و مطالب ارائه‌شده می‌توان این‌گونه استنباط کرد که رقابت‌پذیری در ارتباط سطوح مختلف بنگاه‌های اقتصادی منفرد تا مناطق جغرافیایی و حتی کشورها به‌کار رفته است که در هر یک از سطوح، به جنبه‌های مختلف رقابت‌پذیری توجه شده است. (Meshki Miaoghi & Delirian, 2015)

رقابت‌پذیری بانک‌ها

بانک‌ها در فضای رقابتی یا انحصاری در اقتصاد کلان رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. تمرکز یا قدرت انحصاری بسیار زیاد در شبکه بانکی، می‌تواند تأثیرهای عمیقی بر عملکرد و پرتفوی بانک‌ها داشته باشد. درهم‌پیچیدگی‌های بانکی و قدرت بانک‌های بزرگ در شبکه بانکی و میزان نظارت بانک مرکزی بر فعالیت‌های بانکی، می‌تواند تأثیرهای بسزایی در بازارهای مالی داشته باشد. برای جلوگیری از بحران و ریسک‌های پیش‌روی شبکه بانکی، باید بیش از پیش به مدیریت قدرت انحصاری بانک‌ها توجه شود. رقابت در صنعت بانکداری به فعالیت‌های مدیریتی و بازاریابی بانک‌ها برای کسب سهم بازار و افزایش شمار

مشتریان اشاره دارد. رقابت در بازار موضوع تازه‌ای در عرصه بانکداری و مؤسسه‌های مالی و اعتباری نیست. بانک‌ها باید از طریق هوشمندی رقابتی خود را مهیای فعالیت در یک عرصه سرشار از تلاطم کنند. البته در این میان، نباید مسئولیت اجتماعی بانک‌ها نیز فراموش شود. بانکداری سبز کوششی در راستای همین مسئولیت است. در ادبیات اقتصادی تأکید فراوانی بر مفهوم رقابت مشاهده می‌شود. از نقطه‌نظر ایستا، رقابت رفاه را افزایش می‌دهد، چون رقابت قیمت‌ها را کاهش و مقدار عرضه‌شده توسط بازار را افزایش می‌دهد. از منظر پویا، رقابت در صورتی استاندارد زندگی را افزایش می‌دهد که انگیزه بنگاه‌ها برای نوآوری را افزایش دهد. برخلاف این مطالب، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اعتقاد دارند که رقابت در بخش بانکداری متفاوت است. وجود شکست‌های بازاری توضیح می‌دهد که چرا رقابت به‌طور مستقیم در بخش بانکداری کاربرد ندارد. باید در نظر داشت که اطلاعات نامتقارن، وجود اثرهای جانبی و هزینه‌های ضمنی و نوع ارتباطات در بازارهای مالی می‌تواند اثرهای بسیاری بر رقابت در بانکداری داشته باشد. این مشخص‌کننده سازوکار رقابت در بانکداری باشد. (Linan de Bellefonds, 2011)

قرارداد تجاری بین‌المللی

قرارداد تجاری بین‌المللی به توافقی حقوقی اطلاق می‌شود که میان طرفین از کشورهای مختلف منعقد می‌گردد و هدف آن انجام فعالیت‌های اقتصادی، تجاری یا مالی است. این قراردادها تابع قواعد حقوق خصوصی و بین‌المللی بوده و شامل تعهدات طرفین، شرایط اجرا و تضمین‌ها می‌شوند. تعریف دقیق قرارداد، شامل شناسایی طرفین، موضوع قرارداد، مدت‌زمان، مبلغ و شرایط تحویل یا ارائه خدمات است. قراردادهای بین‌المللی باید با قوانین داخلی کشورها و قواعد بین‌المللی مانند کنوانسیون وین مطابقت داشته باشند. این نوع قراردادها ابزار اصلی اجرای تجارت فرامرزی و افزایش همکاری اقتصادی محسوب می‌شوند و امنیت حقوقی طرفین، پیش‌بینی‌پذیری و کاهش ریسک‌های تجاری را تضمین می‌کنند.

هر قرارداد تجاری بین‌المللی دارای عناصر حقوقی و اقتصادی مشخص است که صحت و کارآمدی آن را تضمین می‌کند. این عناصر شامل مشخصات طرفین، موضوع قرارداد، تعهدات مالی و غیرمالی، شرایط پرداخت، تضمین‌های بانکی، روش‌های حل اختلاف و ضمانت اجرای قرارداد است. از منظر اقتصادی، قرارداد باید منافع متقابل، توزیع سود، مدیریت ریسک‌های ارزی و تأمین مالی را به‌طور شفاف تعیین کند. توجه به این عناصر موجب کاهش دعاوی، افزایش اعتماد سرمایه‌گذار و تقویت توان رقابت‌پذیری قرارداد در بازار جهانی می‌شود. همچنین، همخوانی با استانداردهای بین‌المللی، شفافیت شرایط پرداخت و تضمین‌های مالی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قوانین داخلی نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم قراردادهای تجاری بین‌المللی و توان رقابت‌پذیری شرکت‌ها دارند. در ایران، قانون مدنی، قانون تجارت، قانون بانک مرکزی و قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی از مهم‌ترین منابع هستند. این قوانین چارچوب حقوقی روابط تجاری، شرایط اجرای قرارداد، تضمین‌های مالی و مجازات نقض تعهدات را مشخص می‌کنند. مقررات بانکی، شامل نحوه پرداخت‌های بین‌المللی، اعتبار اسنادی، تسهیلات مالی و محدودیت‌های ارزی، بر اجرای قراردادها تأثیر مستقیم دارند. عدم هماهنگی میان قوانین تجاری و مقررات بانکی می‌تواند ریسک حقوقی و مالی قرارداد را افزایش دهد و توان رقابت‌پذیری طرفین را کاهش دهد. تحلیل این قوانین و آیین‌نامه‌ها برای شناسایی خلأها، ابهامات و محدودیت‌ها ضروری است تا اصلاحات هدفمند ارائه گردد. (Karimi & Mohammadi, 2020)

رقابت‌پذیری بین‌المللی

رقابت‌پذیری بین‌المللی، اغلب در تحلیل عملکرد اقتصاد کشورها به‌کار برده می‌شود. معیار رقابت‌پذیری بین‌المللی، برخی از

مشخصه‌های اقتصادی مهم را که منجر به تأثیرگذاری آزادسازی‌ها و بهبود روند تجارت بین‌الملل می‌شوند، برای یک کشور و شرکای تجاری آن مقایسه می‌کند. رقابت‌پذیری بین‌المللی نه‌تنها به عوامل کمی توجه دارد، بلکه عوامل کیفی را که قابل کمی کردن نیستند نیز در بر می‌گیرد. بنابراین، ظرفیت ابداع تکنولوژی، میزان تخصصی بودن تولید، کیفیت تولیدات و ارزش خدمات پس از فروش همگی از جمله عواملی هستند که می‌توانند عملکرد تجارت یک کشور را تحت تأثیر قرار دهند. بهبود رقابت‌پذیری بین‌المللی، لزوماً به معنای افزایش فروش در بازارهای خارجی نیست؛ بلکه در شرایط بهبود نرخ ارز نیز می‌توان شاهد بهبود فروش تجاری بود؛ اگرچه عملکرد صادرات بدون تغییر بماند. به عبارت دیگر، از طریق اختلاف قیمت یا هزینه بین‌المللی می‌توان به مقایسه و اندازه‌گیری رقابت‌پذیری نسبی دست یافت. در حالی‌که در موارد معدودی امکان اندازه‌گیری مطلق اختلاف هزینه در میان عرضه‌کنندگان یک کالای داده‌شده (برای مثال، هزینه متوسط تولید یک تن فلز در دو کشور A و B) وجود دارد؛ اما در کل، هیچ پایه آماری که از طریق آن بتوان به مقایسه سیستماتیک سطوح مطلق قیمت و هزینه برای دامنه وسیعی از کالاهای تولیدشده در کشورهای مختلف پرداخت، موجود نیست. بنابراین، در بیشتر موارد، حداکثر کاری که می‌توان انجام داد، مقایسه شاخص‌هایی است که روند و جهت تغییرات هزینه و قیمت‌های نسبی را با توجه به دوره پایه نشان می‌دهد. با وجودی که برای برخی از اهداف، این شیوه عمل نقطه‌ضعفی به حساب می‌آید، اما در مواردی که به‌جای سطوح رقابت‌پذیری، نسبت تغییرات در رقابت‌پذیری مدنظر باشد، چندان مهم نیست. برای حصول یک تصویر کلی از رقابت، توسط صادرکنندگان و تولیدکنندگان در بازارهای مفروض، لازم است مطالعات، همه بخش‌های مربوط به کالاهای قابل تجارت را در بر گیرد، اما مشکل آن است که مثلاً در مورد بخش خدمات (با وجود آنکه جزء بخش‌های قابل تجارت است) آمارهای مربوط به قیمت خدمات، اغلب چندان واقعی نیستند. همچنین در مورد بسیاری از کشورها به‌دست آوردن تعداد بی‌شماری از داده‌ها مشکل است. (Maghsoudi, 2021) بنابراین، تمرکز بیشتر مطالعات و تحلیل‌ها بر تجارت در صنایع کارخانه‌ای محدود می‌شود. از جمله متغیرهایی که برای ایجاد شاخص‌های رقابت‌پذیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان به شاخص قیمت‌های عمده‌فروشی، شاخص قیمت‌های خرده‌فروشی (یا شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده)، عامل تعدیل تولید ناخالص داخلی (GDP)، قیمت‌های صادرات، هزینه هر واحد نیروی انسانی و نرخ ارز اشاره نمود که همه آن‌ها از نقاط قوت و ضعف برخوردار هستند. (Vijeh, 2010) شاخص‌هایی که با شاخص قیمت‌های عمده‌فروشی در ارتباط هستند، به‌گونه‌ای محاسبه می‌شوند که در آن قیمت‌های همه کالاهای بازار داخلی و خارجی قابل تجارت، لحاظ شوند. اگرچه شاخص‌های منتشرشده از لحاظ کیفیت و تعریفشان در میان کشورها، متنوع هستند، اما روند همه آن‌ها توسط عواملی از قبیل تغییر در قیمت نهاده‌های واسطه‌ای و مواد اولیه تحت تأثیر قرار می‌گیرند. مشکل مربوط به شاخص‌هایی که بر اساس شاخص قیمت خرده‌فروشی به‌دست می‌آیند، آن است که این‌گونه شاخص‌ها یک دامنه کلی از کالاها و خدمات را که موضوع و هدف رقابت بین‌المللی نیستند، در بر می‌گیرند. در ضمن، اجزای تشکیل‌دهنده و روش محاسبه و وزن‌دهی آن‌ها از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. با این حال، زمانی که آمارهای مربوط به شاخص قیمت خرده‌فروشی برای کشورهای زیادی فراهم باشد، چنین شاخصی به‌کار برده می‌شود. به دلیل مشابه، شاخص‌های مبتنی بر تعدیل GDP در تبیین رقابت‌پذیری نیز اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرند. شاخصی که برای مقایسه بخش کارخانه‌ای تعداد زیادی از کشورها به‌کار برده می‌شود، ارزش متوسط صادرات را لحاظ می‌کند. مزیت ویژه این نوع شاخص‌ها آن است که داده‌های مورد نیاز آن توسط گمرک به ثبت

رسیده و یا در مورد داده‌هایی است که از منطقه ملی خارج شده و در بازارهای خارجی مورد رقابت قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، این شاخص‌ها کالاهایی را که به‌طور بالقوه قابل صادرات هستند در نظر نمی‌گیرند، که البته این امر می‌تواند به‌عنوان یک مشکل قلمداد شود و در نهایت، مشکل کاربرد شاخص‌های رقابت‌پذیری که مبتنی بر ارزش متوسط صادرات هستند، آن است که در چنین شاخصی فرض می‌شود هر صادرکننده، سیاست قیمت‌گذاری یکسانی را در همه بازارها دنبال می‌کند. (Meshki Miaoghi & Delirian, 2015) به‌منظور انجام مقایسه بین‌المللی، لازم است که هزینه‌ها و قیمت‌ها به واحد پول یکسانی مانند دلار آمریکا تبدیل شوند. در آن صورت، رقابت‌پذیری که توسط اختلاف قیمت یا هزینه بیان می‌شود، از طریق نرخ ارز مؤثر واقعی محاسبه می‌گردد؛ اما نرخ ارز مؤثر اسمی که اغلب در ادبیات مورد توجه قرار می‌گیرد، تنها یک عامل در ارزیابی رقابت‌پذیری بین‌المللی است و عامل دیگر قیمت یا هزینه نسبی اسمی است که به‌ندرت محاسبه می‌شود. در نهایت، نقش شاخص‌های رقابت‌پذیری قیمتی، عمل کردن به‌عنوان یک معیار رقابت قیمتی بین تولیدکنندگان در کشورهای مختلف است. بنابراین، لازم است که در تصریح چنین شاخص‌هایی، وضع ویژه رقابت و بازارهای رقابتی و ویژگی‌های کشورهای مورد بحث به‌طور جدی آشکار شود. بر این اساس، شاخص رقابت‌پذیری یک کشور بر مبنای ساختار و موقعیت بازار کشورها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در عمل سه دیدگاه وجود دارد: ۱- محدود شدن به بازار صادرات کشور، ۲- محدود شدن به بازار داخلی، و ۳- بررسی موقعیت رقابتی کشور در هر دو بازار صادرات و بازار داخلی. بنابراین، با توجه به موقعیت و شرایط بازار انتخاب‌شده برای تحلیل، اختلافات بسیار اساسی در اندازه‌گیری رقابت‌پذیری می‌تواند ایجاد شود. پس مهم آن است که بدانیم هر شاخص ویژه تنها برای یک دیدگاه عملکرد تجارت و میزان تأثیرگذاری آزادسازی تجاری متناسب است و شاخص به‌کار برده‌شده نیز به پرسش و هدف اولیه بستگی دارد. (Hamidi Sahneh, 2008)

رقابت‌پذیری در سطح خرد

رقابت‌پذیری در سطح بنگاه به معنای توانایی حفظ وضعیت بنگاه در بازار است. پورتر اعتقاد دارد که یک بنگاه با تکیه بر دارایی‌های خود رقابت‌پذیر نمی‌شود و عواملی نظیر تأمین‌کنندگان، مشتریان و فشارهای رقابتی ناشی از رقبا نیز بر آن تأثیرگذارند. بنگاه‌ها برای اینکه رقابت‌پذیر باشند، بایستی چهار فاکتور را به‌طور فرایند در وضعیت بهینه قرار دهند: هزینه کارایی، کیفیت، تنوع و قدرت پاسخگویی. به‌منظور افزایش در بهره‌وری این عوامل، لازم است که اصلاحات اساسی در حوزه‌های سازماندهی تولید، سازماندهی توسعه محصول و سازماندهی زنجیره ارزش صورت پذیرد. (Nasehifar et al., 2021)

رقابت‌پذیری در سطح میانی

در زمانی که توجه محققان به بررسی رقابت‌پذیری بین‌المللی معطوف شده بود، تعدادی از مناطق محلی اقتصادی، به‌صورت مجتمع‌های صنعتی با تکنولوژی پیشرفته شکل گرفت. در واقع، تلاش دولت‌مردان منطقه‌ای و ملی در سطح جهان در این مجتمع‌ها، دستیابی به توسعه اقتصادی منطقه‌ای بود. ابزارهای به‌کار گرفته‌شده در این مناطق عبارت بودند از: پارک‌های فناوری، مراکز نوآوری، برنامه‌های آموزشی و پشتیبانی‌های مالیاتی و کمک‌های مالی مستقیم به بنگاه‌ها تا این مراکز کوچک تکنولوژی پیشرفته، بازدهی تجاری را آغاز کردند. شاخص‌های اصلی در تعیین رقابت‌پذیری مناطق شامل ساختارهای اقتصادی منطقه (درآمد منطقه، میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در منطقه، صادرات کالا و...)، نیروی انسانی، موهبت‌ها و سیاست‌های حاکم بر منطقه است. (Hosseini, 2017)

رقابت‌پذیری در سطح کلان

بسیاری از تصمیمات متمرکز بر رقابت‌پذیری کشورها و ملت‌ها و همچنین مقایسه آن‌ها با هم بوده است. رقابت‌پذیری ملی، توانایی یک کشور در تولید کالا و خدماتی است که قابلیت رقابت در بازارهای بین‌المللی را دارد و در عین حال، درآمد شهروندان آن کشور را افزایش می‌دهد. به نظر شورای رقابت‌پذیری آمریکا، استانداردهای سطح زندگی، تجارت، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری از جمله شاخص‌های ارزیابی رقابت‌پذیری در سطح ملی هستند. از این دیدگاه، رقابت‌پذیری ملی هدف نهایی نیست، بلکه یک وسیله برای دستیابی به افزایش سطح استاندارد زندگی تحت شرایط عادلانه و بازار آزاد (تجارت، تولید و سرمایه‌گذاری) است. (Pakbaz, 2015)

توان رقابت‌پذیری در تجارت بین‌الملل

رقابت‌پذیری بین‌المللی دربرگیرنده عوامل بسیاری است که بر عملکرد اقتصاد کلان کشور تأثیرگذار است. معیارهای رقابت‌پذیری بین‌المللی توسط بسیاری از کارشناسان، به‌ویژه به‌عنوان وسیله‌ای برای تحلیل و پیش‌بینی خط‌مشی‌ها و روند تجارت بین‌الملل توسعه یافته است. در حقیقت، همه عواملی که کارایی تجارت یک کشور را در بر می‌گیرند باید در معرفی چنین معیارهایی به حساب آیند. اما برخی از عوامل مربوطه (مانند خدمات پس از فروش) کیفی هستند؛ بنابراین، در بیشتر مطالعات بر عوامل کمّی مانند قیمت یا هزینه‌ها متمرکز می‌شوند. توان رقابت‌پذیری در تجارت بین‌الملل به معنای ظرفیت شرکت‌ها و کشورها برای جلب سرمایه، حفظ بازارها و بهره‌برداری مؤثر از فرصت‌های اقتصادی در سطح جهانی است. این توانایی شامل توان ایجاد ارزش افزوده، ارائه کالا و خدمات با کیفیت و قیمت رقابتی، و مدیریت ریسک‌های مالی و حقوقی ناشی از تجارت فرامرزی می‌شود. در سطح شرکت‌ها، رقابت‌پذیری به توانایی مدیریت قراردادهای بین‌المللی، دسترسی به منابع تأمین مالی مطمئن و کاهش ریسک‌های ارزی و قانونی مرتبط است. در سطح کشورها، رقابت‌پذیری تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی، مقررات بانکی، ثبات قانونی و شفافیت فرآیندهای تجاری و مالی قرار دارد.

شاخص‌های ارزیابی رقابت‌پذیری در قراردادهای بین‌المللی، ابزارهای کمی و کیفی هستند که عملکرد شرکت و کشور را در محیط تجارت جهانی می‌سنجند. این شاخص‌ها شامل شفافیت قراردادها، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری مقررات، میزان دسترسی به تأمین مالی، سرعت اجرای قرارداد، کیفیت تضمین‌ها و امنیت حقوقی طرفین است. شاخص‌های مالی و بانکی، مانند دسترسی به اعتبار اسنادی، نرخ بهره و محدودیت‌های ارزی، به‌طور مستقیم بر توان رقابت‌پذیری قراردادها اثرگذارند. استفاده از این شاخص‌ها به تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران کمک می‌کند و امکان تحلیل نقاط ضعف و قوت محیط تجاری فراهم می‌شود. (Poostinchi et al., 2016)

رابطه توان رقابت‌پذیری با امنیت حقوقی و مالی قرارداد، رابطه‌ای مستقیم و تعیین‌کننده است. قراردادهایی که از امنیت حقوقی برخوردارند، شامل تضمین‌های قانونی، شفافیت شرایط و سازوکارهای حل اختلاف مؤثر هستند، ریسک سرمایه‌گذار را کاهش می‌دهند و به جذب سرمایه خارجی کمک می‌کنند. همچنین، امنیت مالی شامل امکان دسترسی به منابع بانکی، تضمین‌های پرداخت و مدیریت ریسک‌های ارزی است که توان اجرایی قرارداد را افزایش می‌دهد. هرچه قراردادها از ثبات و امنیت بیشتری برخوردار باشند، توان رقابت‌پذیری شرکت‌ها و کشورها در بازارهای بین‌المللی بالاتر می‌رود و امکان بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری گسترده‌تر می‌شود. این رابطه نشان می‌دهد که اصلاح مقررات بانکی، افزایش شفافیت، تضمین حقوق طرفین و ایجاد سازوکارهای مالی کارآمد، کلید افزایش رقابت‌پذیری در سطح بین‌الملل است. (Khodadad Kashi & Hajian, 2014)

شاخص‌های ارزیابی رقابت‌پذیری در قراردادها

شاخص‌های ارزیابی رقابت‌پذیری قراردادهای بین‌المللی ابزارهایی هستند که میزان کارآمدی قرارداد و توان اجرایی طرفین را می‌سنجند. این شاخص‌ها شامل شفافیت مقررات، ثبات قانونی، امنیت حقوقی و مالی، سرعت اجرای قرارداد، کیفیت تضمین‌ها و دسترسی به منابع مالی بین‌المللی است. شاخص‌های مالی شامل دسترسی به اعتبار اسنادی، تضمین‌های بانکی، نرخ بهره و محدودیت‌های ارزی می‌شوند. شاخص‌های حقوقی شامل شفافیت تعهدات طرفین، قابلیت پیش‌بینی نتیجه اختلاف، رعایت استانداردهای بین‌المللی و وجود سازوکارهای حل اختلاف مؤثر است. استفاده از این شاخص‌ها به شرکت‌ها امکان می‌دهد نقاط ضعف قرارداد، محدودیت‌های مقررات بانکی و ریسک‌های قانونی را شناسایی کنند. این شاخص‌ها همچنین برای سیاست‌گذاران مفید است تا اصلاحات قانونی و بانکی لازم برای افزایش توان رقابت‌پذیری در قراردادهای بین‌المللی را طراحی کنند و محیطی امن و شفاف برای سرمایه‌گذاران فراهم آورند. (Ramezan Ahmadi et al., 2017) در عمل، شرکت‌ها و بانک‌ها با مشکلات متعددی مواجه هستند که توان رقابت‌پذیری قراردادهای تجاری بین‌المللی را کاهش می‌دهد. از جمله این مشکلات می‌توان به طولانی بودن فرآیندهای اداری، محدودیت در دسترسی به ابزارهای تأمین مالی بین‌المللی و ضعف هماهنگی میان نهادهای بانکی و تجاری اشاره کرد. شرکت‌ها معمولاً با عدم اطمینان در پرداخت‌ها، ریسک‌های ارزی و نبود تضمین‌های مطمئن مواجه می‌شوند که باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش انعطاف‌پذیری قرارداد می‌شود. بانک‌ها نیز در شرایطی فعالیت می‌کنند که قوانین داخلی و الزامات نظارتی پیچیده و گاه متناقض هستند؛ این وضعیت اجرای سریع و مطمئن قراردادها را دشوار می‌سازد. (Arabi & Bokiya, 2019)

مقاومت در صنعت بانکی

تاب‌آوری اقتصادی را به قدرت و توان یک کشور به ایستادگی و مقاومت و نجات از تکانه‌ها و شوک‌های خارجی تعبیر نموده‌اند. همچنین ناکانو و فوجی (۲۰۱۱) تاب‌آوری اقتصادی را به توان یک اقتصاد در پایین آوردن احتمال وقوع بحران‌های عمیق و یا حداقل ترمیم آثار یک بحران مرتبط می‌داند. در این مفهوم، تاب‌آوری اقتصادی در توان حفظ سطح محصولات در نزدیک ظرفیت واقعی پس از رخداد تکانه‌ها و شوک‌ها تعریف می‌شود. اقتصاد مقاومتی به معنای تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تأثیرها و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. بر اساس فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی، اقتصاد مقاومتی الگویی بومی و علمی، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، متناسب با وضعیت امروز و فردا، پویا و انعطاف‌پذیر است. هرچند اقتصاد مقاومتی با اقتصاد تاب‌آور دارای اشتراکاتی است، اما برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که آن را از اقتصاد تاب‌آور متمایز می‌کند، بومی و اسلامی بودن، رویکرد جهادی داشتن و فسادستیزی است. (Ahmadi & Hosseini, 2019)

منظور از مقاومت و رقابت بانکی، برقراری ثبات در سیستم بانکی و افزایش تاب‌آوری در آن است. بانک‌ها زمانی مقاوم هستند که با ساختار حاکمیت شرکتی مناسب، زمینه‌های بروز ریسک و خطر در سیستم خود را به‌موقع شناسایی کنند و با اقدامات پیشگیرانه از بروز آن‌ها جلوگیری به عمل آورند. همچنین، مقاومت بانکی می‌طلبد که بانک در شرایط مخاطره‌آمیز و پرریسک با اقدام به‌موقع، قابلیت مدیریت سریع و کنترل شرایط به‌وجودآمده را داشته باشد، به‌طوری‌که از بروز بحران و تسری آن به سایر بخش‌های اقتصادی جلوگیری کند. (Daneshvar, 2017) به بیان دیگر، هنر مقاومت بانکی در انطباق دادن میان شرایط کلی

اقتصاد، راهبردهای کلان بانک و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از طریق طراحی و پیاده‌سازی مدل‌های مناسب کسب‌وکار است.

با ظهور بحران بزرگ اقتصادی در سال ۲۰۰۸ میلادی و اثرات منفی آن بر اقتصاد جهانی، توجه اقتصاددانان به یافتن ریشه‌های آن جلب شد. این بحران که در ابتدا از بخش بانکی آمریکا شروع شده بود، لزوم بهبود سطح کمی و کیفی صنعت بانکی و بخش مالی، خصوصاً در بحث کفایت سرمایه را روشن ساخت. خرد جمعی، شناسایی ریشه‌ها و علل بحران ۲۰۰۸ را در دستور کار قرار داد و به این نتیجه رسید که برای پیشگیری از تکرار وقوع چنین بحران‌هایی، نیاز به رصد و مقاوم‌سازی رویه‌های مالی و مدیریت ریسک از حیث حقوقی و اجرایی است. طبیعتاً بازنگری قواعد بین‌المللی نظارت بر مؤسسات پولی و مالی می‌تواند در این راستا مفید فایده باشد.

در این راستا، کمیته نظارت بانکی بازل به‌عنوان یک نهاد معتبر و بین‌المللی، مجموعه‌ای از مقررات بانکی جدید را در مورد «تقویت سرمایه جهانی و قوانین نقدینگی» که از آن به‌عنوان «مجموعه مقررات بازل» یاد می‌شود، تنظیم و معرفی نمود. البته اولین مورد از توافقنامه‌های کمیته بازل، توافقنامه بازل بود که در سال ۱۹۸۸ ارائه شد. پس از آن، توافقنامه بازل، در سال ۲۰۰۴ منتشر شد. سپس نوبت به توافقنامه بازل ۳ رسید که پس از وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸، به‌منظور تقویت بیشتر صنعت بانکی از نظر مدیریت نقدینگی و کفایت سرمایه در سال ۲۰۱۰ منتشر شد. در ادامه، این کمیته در دسامبر ۲۰۱۷، با توجه به تغییرات، تجارب و دستاوردهای حاصل‌شده، اصلاحات بازل را در سندی تحت عنوان بازل منتشر کرد. در این سند جدید، به ریسک اعتباری، ریسک تعدیل ارزش‌گذاری اعتباری، ریسک عملیاتی و نسبت اهرمی نکاتی افزوده شده است. (Beigi, 2021b)

قوانین نظارتی این کمیته با هدف مقابله با چالش‌های قوانین و مقررات موجود تدوین و ارائه شده که در آن، استانداردهای سلامت یک نهاد مالی بیان شده و کلیه مؤسسات مالی لازم است در تعاملات و مبادلات خود از این قواعد پیروی نمایند. از این رو، می‌توان اذعان داشت که یکی از بهترین تجارب جهانی در تلاش برای مقاوم‌سازی صنعت بانکی، به تدوین و ابلاغ توافقنامه‌های بازل از سوی کمیته بازل برمی‌گردد. توافقنامه‌های بازل، شاخص‌ها و مدل‌هایی را برای مقابله با ریسک‌های عمده در صنعت بانکی (همانند ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک بازار و ریسک عملیاتی) معرفی کرده‌اند. برای مثال، توافقنامه بازل ۲، سه رکن حداقل الزامات سرمایه‌ای، فرایند بررسی نظارتی و نظم بازار به‌منظور استحکام‌بخشی به چارچوب مدیریت ریسک در بانک‌ها را تبیین کرده است. همچنین توافقنامه بازل ۳، بانک‌ها را ملزم به حفظ سرمایه بیشتر و نگهداشت دارایی‌های باکیفیت و نقدشونده‌تر برای مقابله با شرایط بحرانی نموده است. این توافقنامه‌ها به نقش سرمایه به‌عنوان سپری در مقابل زیان‌های شدید و اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان بانک‌ها توجه داشته و تقویت چارچوب مدیریت ریسک بانک‌ها برای اجرای بهتر عملیات بانکی و آمادگی برای مقابله با شرایط بحرانی را مدنظر گرفته است. (Pajouyan et al., 2011)

رابطه توان رقابت‌پذیری با امنیت حقوقی و مالی قرارداد

توان رقابت‌پذیری و امنیت حقوقی و مالی قرارداد رابطه‌ای مستقیم و تعیین‌کننده دارند. قراردادهایی که از امنیت حقوقی برخوردارند شامل شفافیت مفاد، تضمین‌های قانونی، شرایط پیش‌بینی‌شده و سازوکارهای حل اختلاف مشخص هستند و ریسک طرفین را کاهش می‌دهند. امنیت مالی شامل دسترسی به منابع بانکی، اعتبار اسنادی، مدیریت ریسک ارزی و تضمین‌های پرداخت است که اجرای قرارداد را تضمین می‌کند. هرچه قراردادها از امنیت بیشتری برخوردار باشند، توان رقابت‌پذیری شرکت‌ها در بازار بین‌الملل افزایش می‌یابد و امکان بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری و کاهش هزینه‌های حقوقی و مالی فراهم می‌شود. در نتیجه، اصلاح مقررات

بانکی، شفافیت قراردادها و پیش‌بینی سازوکارهای تأمین مالی مؤثر، کلید ارتقای رقابت‌پذیری شرکت‌ها و کشورها در سطح جهانی است و محیط سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی را پایدار و پیش‌بینی‌پذیر می‌سازد. (Shahiki Tash & Abdi, 2016)

علل شکست قراردادهای حقوقی قراردادهای تجاری بین‌المللی

به دلیل محدودیت‌های مالی و بانکی

تجربه قراردادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که بسیاری از پروژه‌ها به دلیل محدودیت‌های مالی و بانکی با شکست مواجه شده‌اند. مشکلاتی مانند عدم امکان استفاده از اعتبار اسنادی، تأخیر در انتقال ارز و نبود ابزارهای تضمین مالی بین‌المللی، باعث نقض تعهدات و اختلال در اجرای قراردادها شده است. همچنین، تحریم‌ها و محدودیت‌های ارزی، شرکت‌ها را از دسترسی به منابع مالی ضروری محروم کرده و توان رقابت‌پذیری آن‌ها را کاهش داده است. تحلیل این نمونه‌ها نشان می‌دهد که ضعف در مقررات بانکی و عدم پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی، عامل اصلی ناکامی قراردادهای بین‌المللی است.

تأثیر بروکراسی و عدم شفافیت مقررات

بروکراسی پیچیده و عدم شفافیت در مقررات بانکی و تجاری، یکی دیگر از موانع مهم رقابت‌پذیری است. فرآیندهای طولانی اداری برای دریافت مجوزها، تأیید اسناد و انجام تراکنش‌های مالی، باعث افزایش زمان اجرای قرارداد و هزینه‌های اضافی می‌شود. عدم شفافیت در تفسیر قوانین و آیین‌نامه‌ها، ریسک حقوقی و مالی قراردادها را افزایش می‌دهد و اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را کاهش می‌دهد. در نتیجه، شرکت‌ها مجبورند منابع بیشتری صرف مدیریت ریسک و مطابقت با مقررات کنند که توان رقابت‌پذیری و بهره‌وری قراردادها را کاهش می‌دهد. اصلاح مقررات، کاهش بروکراسی و افزایش شفافیت، از مهم‌ترین راهکارها برای ارتقای امنیت حقوقی و توان رقابت‌پذیری قراردادها است. (Gholich, 2016)

ضعف‌ها و خلأهای قانونی

در فضای حقوقی ایران، قراردادهای تجاری بین‌المللی با چندین ضعف و خلأ قانونی مواجه هستند که توان رقابت‌پذیری شرکت‌ها را محدود می‌کند. برخی قوانین کلی و قدیمی بوده و تعاریف دقیق از حقوق و تعهدات طرفین ارائه نمی‌دهند. علاوه بر این، نبود هماهنگی میان قوانین تجاری، مقررات بانکی و تعهدات بین‌المللی، باعث ایجاد ابهام و تفسیرهای مختلف می‌شود. عدم پیش‌بینی سازوکارهای مدرن تأمین مالی و تضمین‌های اجرایی، ریسک قرارداد را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذار خارجی را از ورود به بازار باز می‌دارد. همچنین، برخی قواعد داخلی محدود به تجارت داخلی هستند و امکان تطبیق با شرایط بین‌المللی را ندارند. این خلأها موجب افزایش هزینه‌های حقوقی، طولانی شدن زمان اجرای قرارداد و کاهش توان رقابت‌پذیری شرکت‌ها می‌شود. (Meshki Miaoghi & Delirian, 2015)

مسائل مربوط به اجرای قرارداد و تضمین‌ها

اجرای قراردادهای بین‌المللی نیازمند تضمین‌های دقیق مالی و حقوقی است. در عمل، ضعف نهادهای نظارتی و محدودیت‌های قانونی مانع اجرای سریع و مطمئن قراردادها می‌شود. بسیاری از قراردادها فاقد پیش‌بینی روش‌های حل اختلاف کارآمد، ضمانت‌های پرداخت و سازوکارهای تحویل کالا و خدمات هستند. فقدان استانداردهای لازم برای اعتبار اسنادی و تضمین‌های بانکی، طرفین را در معرض ریسک عدم پرداخت و نقض تعهدات قرار می‌دهد. همچنین، عدم وجود رویه‌های شفاف و کارآمد برای نظارت بر اجرای قرارداد و حل اختلاف، باعث افزایش عدم قطعیت و کاهش اعتماد شرکای خارجی می‌شود.

تأثیر قوانین بانکی و مقررات پولی بر اجرای قرارداد

مقررات بانکی و پولی نقش کلیدی در توان اجرایی قراردادهای بین‌المللی دارند. محدودیت‌های ارزی، شرایط خاص افتتاح حساب، نرخ سود تسهیلات و قوانین مرتبط با اعتبار اسنادی،

مستقیم بر توان طرفین در انجام تعهدات مالی اثرگذارند. قوانین بانک مرکزی و آیین‌نامه‌های بانکی، در بسیاری موارد انعطاف‌پذیری لازم برای هماهنگی با قراردادهای بین‌المللی را ندارند و می‌توانند موجب تأخیر در پرداخت‌ها یا عدم امکان استفاده از ابزارهای مالی نوین شوند. همچنین، عدم پیش‌بینی سازوکارهای تسهیل انتقال ارز و تضمین‌های مالی، ریسک سرمایه‌گذار را افزایش می‌دهد. این محدودیت‌ها نه‌تنها توان رقابت‌پذیری قراردادها را کاهش می‌دهند، بلکه محیط تجاری را برای شرکت‌های داخلی و خارجی غیرقابل پیش‌بینی می‌کنند. (Ghaemi Asl & Valaei, 2020a)

محدودیت‌ها و تعارض‌های قانونی بانکی

مقررات بانکی در ایران با وجود نقش حیاتی در تجارت بین‌الملل، شامل محدودیت‌ها و تعارض‌هایی است که توان رقابت‌پذیری قراردادها را کاهش می‌دهند. بسیاری از قوانین بانکی قدیمی و غیرمنطبق با استانداردهای بین‌المللی هستند. محدودیت‌های ارزی، مقررات سخت‌گیرانه افتتاح حساب‌های ارزی و الزامات پیچیده گزارش‌دهی، شرکت‌ها و بانک‌ها را در اجرای قراردادهای بین‌المللی با مشکل مواجه می‌سازد. علاوه بر این، تعارض میان قوانین بانکی و مقررات تجاری داخلی باعث ایجاد ابهام و تأخیر در تأمین مالی پروژه‌ها می‌شود. نبود هماهنگی میان قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی، شرکت‌ها را در معرض ریسک حقوقی و مالی قرار می‌دهد و سرمایه‌گذاران خارجی را از ورود به بازار باز می‌دارد. (Farmanara & Ghaffari, 2019)

مروری بر تئوری‌ها، مدل‌ها و رویکردهای مرتبط با رقابت‌پذیری

قرن بیست‌ویکم، با حوادث مختلف همچون چالش‌ها، آشفتگی‌ها و فرصت‌های زیادی آغاز شده است. بقا و موفقیت در چنین شرایطی به میزان زیادی به قدرت رقابت‌پذیری سازمان‌ها بستگی دارد. در دنیای پرتلاطم فعلی، یکی از ویژگی‌های سازمان‌های موفق، برخورداری از قدرت رقابت‌پذیری است. قدرت رقابت‌پذیری بیش از هر چیز در داشتن دیدگاه‌های جدید در مورد آن نشئت می‌گیرد. همچنین با گذشت زمان و تغییرات محیطی، عوامل تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری نیز دستخوش تغییر می‌شوند. بنابراین، تنها نظریه‌هایی می‌توانند همیشه و در همه حال کاربرد داشته باشند که به قدر کفایت با فرایندهای مدیریتی و تغییرات محیطی سازگار باشند.

رقابت‌پذیری را می‌توان به‌صورت مجموعه‌ای از دارایی‌ها و فرایندهایی دانست که دارایی‌ها قابل دستیابی یا قابل ایجاد شدن بوده و فرایندها نیز این دارایی‌ها را به نتایج اقتصادی تبدیل می‌کنند. به عبارت دیگر، دارایی‌ها می‌توانند مستقیماً از طبیعت به‌دست آیند (مانند منابع طبیعی) و فرایندها نیز این دارایی‌ها را به خروجی (شامل خدمات و محصولات) برای فروش و عرضه در بازار تبدیل می‌کنند که در نهایت، این خروجی‌ها نیز به کسب مزیت رقابتی برای سازمان‌ها و صنایع منجر خواهند شد. بنابراین، می‌توان اذعان کرد که توان رقابتی، به سه متغیر اصلی دارایی، فرایند و عملکرد وابسته است. برخی از صاحب‌نظران نیز رقابت‌پذیری را مرتبط با شایستگی می‌دانند. آنان بر نقش فاکتورهای درونی مانند استراتژی‌ها، ساختار، شایستگی‌ها و قابلیت‌ها برای نوآوری و همچنین سایر منابع مشهود و نامشهود برای کسب موفقیت در بازارهای رقابتی تأکید زیادی دارند.

این دیدگاه که بیشتر بر مبنای دیدگاه مبتنی بر منابع استوار است، توان توسعه یک سازمان نسبت به رقبای خود را موجب کسب مزیت رقابتی در کلاس جهانی می‌داند. بنابراین، سازمان‌ها برای افزایش رضایت مشتریان خود، باید نسبت به رقبا، کارایی تولیدی بالاتر و قیمت بازار مناسب‌تری داشته و محصولاتی با کیفیت مرغوب‌تر ارائه کنند. (Meshkedanian & Hosseinzadeh Shahri, 2020)

از آنجا که تعاریف مختلفی از رقابت‌پذیری و حوزه‌های مرتبط با آن، مانند دیدگاه مبتنی بر منابع، دیدگاه مبتنی بر بازار، اقتصاد و

تولید ارائه شده است، احتمال اینکه تمامی تعاریف موجود در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی جهت دستیابی به مزیت رقابتی مورد استفاده قرار گیرند، اندکی بعید به نظر می‌رسد. (Mishkin, 2009) رقابت‌پذیری از دیدگاه‌های مختلف، در حال حاضر، یک موضوع محوری در ادبیات جهانی شدن تلقی می‌شود و از آن به‌عنوان وسیله‌ای جهت دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب و توسعه پایدار و مشارکت در عرصه بین‌الملل یاد می‌شود. در یک اقتصاد جهانی‌شده، رقابت‌پذیر بودن به معنای امکان کسب موقعیت مناسب و پایدار در بازارهای بین‌المللی است. در اینجا دیدگاه‌های گوناگونی از رقابت‌پذیری وجود دارد که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌گردد:

دیدگاه مبتنی بر منابع

این دیدگاه در کل، عملکرد سازمانی و موقعیت بازار را تابع ویژگی‌های سازمانی می‌داند و رابطه بین مشخصه‌های سازمانی و نتایج عملکردی را بررسی می‌کند. اصل پایه دیدگاه مبتنی بر منابع این است که سازمان‌ها از مجموعه منابعی تشکیل شده‌اند که منبع رقابت‌پذیری سازمان هستند و ویژگی‌های منابع، چگونگی مزیت و حد پایداری آن را مشخص می‌کند. هدف اصلی این رویکرد، تأکید بر مزیت‌های رقابتی ناشی از قابلیت‌های منابع یک شرکت است. منابع، تمام نهاده‌های مالی، تکنولوژیکی، انسانی و سازمانی را در بر می‌گیرد. همچنین منابع، پایه‌ای برای شایستگی فراهم می‌کنند. در واقع، شایستگی‌های یک سازمان یا صنعت، از یک یا ترکیبی از منابع آن به وجود می‌آیند و خود پایه‌ای برای مزیت رقابتی ایجاد می‌کنند. در دیدگاه مبتنی بر قابلیت‌ها، توسعه بلندمدت شایستگی‌های یک بنگاه، نقطه شروع توسعه استراتژی را شکل می‌دهند. دارایی‌ها، قابلیت‌ها، فرایندهای سازمانی، مشخصه‌ها و ویژگی‌های سازمان، اطلاعات، دانش و...، همه منابع سازمان به شمار می‌روند و تحت کنترل سازمان هستند و به سازمان در تدوین و اجرای استراتژی‌هایی برای بهبود کارایی و اثربخشی کمک می‌کنند. در ضمن، این منابع می‌توانند داده‌های فرایندی تولید (اعم از کالاها و خدمات) و واحد اصلی باشند که در شش گروه طبقه‌بندی می‌شوند: مالی و فیزیکی (کارخانه، دسترسی به مواد اولیه)، منابع انسانی (دانش، تجربه و مهارت نیروی انسانی)، تکنولوژیکی، شهرت (شناخت مارک تجاری، وفاداری مشتری) و سازمانی (ارزش‌ها و سبک‌های مدیریت و...) است. (Nikbakht, 2003)

در این نظریه، بین منابع و شایستگی‌ها، به‌صورت ضمنی تمایز مفهومی وجود دارد. منابع را گروهی از عوامل تحت کنترل یا تحت مالکیت و در دسترس سازمان می‌دانند که می‌توان آن‌ها را از بیرون خریداری یا به سازمان انتقال داد؛ در حالی که شایستگی‌ها ظرفیت توسعه منابع را با استفاده از فرایندهای سازمانی جهت رسیدن به نتایج مطلوب می‌دانند. ورنر فلت، منابع را به توده غیرمنظم تشبیه کرده است و بر ضرورت ارائه نقشه‌ای دقیق از فضای منابع با جزئیات بیشتر تأکید می‌کند. (Forg, 2022) در این دیدگاه، منابع به دو دسته محسوس و نامحسوس تقسیم‌بندی می‌شوند. منابع محسوس یک بنگاه عبارت‌اند از: مالی، فیزیکی، تکنولوژیکی و سازمانی. منابع نامحسوس نیز شامل منابع انسانی، توان خلاقیت و نوآوری و شهرت در محیط. قابلیت‌های فنی و تکنولوژیک به آن دسته از توانمندی‌های سازمان اشاره دارد که خلاقیت، کارایی، نوآوری، انعطاف‌پذیری و سرعت یا کیفیت فرایندها و محصولات سازمان را ارتقا می‌دهد. این زیرسازه بر مزیت رقابتی سازمان‌ها و صنایع، بر اساس عناصر استانداردسازی و منطبق بر نیازهای آینده، انعطاف‌پذیری تکنولوژی تولید، توانایی طراحی و ساخت، تحقیق برای توسعه و صرفه‌جویی ناشی از اقتصاد مقیاس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. (Zaeim, 2017) نقش دارایی‌های خاص تجمع‌یافته در طول عمر سازمان را مورد توجه قرار می‌دهند و بر ویژگی‌های منابع سازمانی در دستیابی به مزیت رقابتی تأکید می‌کنند. این دو محقق، در این راستا چهار ویژگی صرفه‌جویی‌های

تراکم زمانی، کارایی‌های انبوه دارایی، ارتباط درونی دارایی‌ها و ابهام را مطرح می‌کنند. پتراف، چشم‌انداز اقتصادی از دیدگاه مبتنی بر منابع را ارائه می‌دهد و ضمن تأکید بر پایداری مزیت رقابتی، در این راستا بر معیارهای تجانس منابع، عدم تحرک منابع، محدودیت‌های گذشته و آینده برای رقابت تأکید می‌کند. (Aburame, 2009)

نظریات علمی در رقابت‌پذیری بانک‌های تجاری

مجمع اقتصاد جهانی، رقابت‌پذیری را توانایی اقتصاد ملی در پایداری رشد و یا حفظ استاندارد زندگی بر اساس درآمد سرانه می‌داند. از نظر سازمان همکاری اقتصادی و رقابت‌پذیری؛ یعنی توانایی یک ملت در تولید کالاها و خدمات برای ارائه توسعه در بازارهای بین‌المللی و به‌طور هم‌زمان حفظ یا ارتقای سطح درآمد شهروندان در بلندمدت است. واضح‌ترین نگرش به رقابت‌پذیری از دیدگاه کنفرانس سازمان ملل در مورد تجارت و توسعه، از مسیر مقایسه عملکرد اقتصاد کلان و استاندارد زندگی جامعه بر اساس بهره‌وری عوامل تولید به‌دست می‌آید. به عبارت دیگر، مفهوم دقیق رقابت‌پذیری، توانایی کشورها در فروش محصولاتشان در بازارهای جهانی است. به نظر مؤسسه توسعه مدیریت، رقابت‌پذیری ملی به مفهوم اجتماع ساده بنگاه‌های انفرادی رقابت‌پذیر نیست، بلکه نتیجه عوامل متعددی نظیر نحوه هدایت اقتصاد توسط دولت، سیاست‌های اجتماعی و مکانیسم ایجاد ارزش می‌باشد. رقابت‌پذیری به مفهوم توانایی کشور در ایجاد ارزش افزوده و افزایش ثروت جامعه به‌وسیله مدیریت دارایی‌ها و ایجاد جذابیت‌ها و... است. رقابت‌پذیری بین‌المللی عبارت است از میزان تولید، از دیدگاه «هیت»، کالاها و خدماتی که از سوی یک کشور بتواند به بازارهای بین‌المللی راه یابد. ضمن آنکه در همین مدت، درآمد واقعی شهروندان خود را افزایش دهد و یا دست‌کم مانع کاهش آن شود. (Bougatef, 2017) رقابت‌پذیری بین‌المللی توانایی یک اقتصاد برای ثابت نگه‌داشتن سهم خود در بازارهای بین‌المللی و یا افزایش سهم خود در بازار هر فعالیتی است، به شرطی که استانداردهای زندگی را برای حاضران در فرآیند رقابت‌پذیری بهبود بخشد و یا دست‌کم مانع افت این استانداردها شود. در تمامی تعاریف فوق، دستیابی به جایگاه مناسب در بازارهای بین‌المللی برای محصولات تولیدی کشور مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان، تغییرات نرخ ارز و دستمزدهای واقعی بر سطح رقابت‌پذیری کالاها و خدمات مؤثر است. به‌طوری‌که با کاهش ارزش واقعی پول و همچنین دستمزدهای واقعی در کشور، سطح رقابت‌پذیری محصولات تولیدی افزایش یافته و با کاهش هزینه‌ها، سطح رقابت‌پذیری محصولات تولیدی نیز بهبود می‌یابد. کاهش هزینه‌های تولیدی معمولاً از دو راه افزایش سطح بهره‌وری و استفاده از منابع ارزان موجود در کشور محقق می‌شود. به اعتقاد اقتصاددانان، افزایش سطح رقابت‌پذیری از طریق افزایش بهره‌وری، بهتر و ارزان‌تر از منابع ارزان می‌باشد. در واقع، کشورهایی که از طریق پایین بودن هزینه مواد اولیه رقابت‌پذیر شده‌اند، در مقابل روش‌های تولید کم‌هزینه‌تر (کارایی بالاتر) و با تکنولوژی پیشرفته دچار مشکل می‌شوند. (Mirloo & Sheikhi, 2019)

چالش‌های اقتصادی و بانکی برای رقابت‌پذیری

چالش‌های نظام بانکی در شرایط کنونی

سیستم بانکی کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی یکی از پرچالش‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور بوده است. به دلیل نقش محوری سیستم بانکی در اقتصاد کشور، همواره از داخل و خارج از کشور، فشارهای متعددی بر سیستم بانکی تحمیل شده است. چالش‌های سیستم بانکی از مناظر مختلف متفاوت می‌باشد. اما شاید بتوان برخی از چالش‌های مهم‌تر را به شرح زیر بیان نمود:

نبود ثبات در سیاست‌های پولی

بانک‌ها از جمله مؤسسه‌هایی هستند که به‌طور مستقیم از سیاست‌های پولی کشور متأثر می‌شوند. تغییر رویه‌های بسیار کوتاه‌مدت و بدون توجیه، نظیر افزایش نرخ ارز مرجع و کاهش مجدد آن در فاصله‌ای کوتاه، نبود ثبات سیاست‌ها، نظیر کاهش نرخ‌های سود سپرده‌ها و اصرار بر کاهش آن و آزادسازی یکباره و سپس اعمال سقف و تهدید بانک‌ها در خصوص عدول از سقف تعیین‌شده و یا برداشت از حساب بانک‌ها بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز در معامله‌ای قطعی، اعمال تسهیلات تکلیفی از یک سو و اخذ جرایم سنگین اضافه‌برداشت، همگی از جمله مواردی هستند که امکان ترسیم تصویر روشن از بانکداری در کشور را با هاله‌ای از ابهام مواجه می‌کند. بانک مرکزی باید ملزم به ارائه سیاست‌های پولی پایدار حداقل طی یک سال باشد و در صورت نیاز به تغییر در طی سال، این موضوع می‌باید با لحاظ تمام شرایط و اعلام قبلی صورت پذیرد. (Daneshvar, 2017)

اتخاذ سیاست‌های پایدار پولی و توجه به تمامی بخش‌ها در سیاست‌گذاری پولی، از جمله منافع بانک‌ها، سهامداران، سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان آنان، لازمه فعالیت بانکداری در شرایط سخت تحریم است. نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، عواقب بی‌اعتمادی به بانک‌ها، چه در بازار سرمایه و چه در بازار پول است. تجربه سایر کشورها نشان داده است که بحران‌ها عمدتاً از ناحیه بانک‌ها آغاز می‌شوند و اگر سپرده‌گذاران و یا فعالان بازار سرمایه اعتماد خود به بخش بانکی را از دست بدهند، باید منتظر بحران شدید در اقتصاد بود.

بانکداری صنفی

ملاحظه می‌شود که در سال‌های اخیر اصناف و گروه‌های مختلف به بهانه عدم کارایی بانک‌ها در ارائه خدمات مطلوب به آن‌ها، رأساً درخواست تأسیس بانک مختص به خود را داده و در بسیاری از موارد نیز موفق به دریافت مجوز از بانک مرکزی شده‌اند. اگرچه مطابق با مقررات موجود، بانک‌های خصوصی کشور باید سهامی عام بوده و هیچ شخص حقیقی و حقوقی و وابستگان آنان جمعاً نمی‌توانند مالک بیش از ۱۰ درصد از سهام یک بانک باشند، اما در عمل با به‌کارگیری شیوه‌های خاص در پذیره‌نویسی اولیه، اعضای یک صنف و یا کارکنان یک نهاد مالک و سهامدار بانک شده و کنترل بانک در دست مسئولین آن صنف و یا آن نهاد قرار می‌گیرد. نظارت ضعیف در پذیره‌نویسی‌های انجام‌شده و عدم دقت بانک مرکزی به عواقب توسعه بانکداری صنفی، باعث گسترش این بانک‌ها طی دو سال اخیر شد و این سلسله همچنان ادامه دارد و اصناف و گروه‌های مختلف یکی پس از دیگری به فکر تأسیس بانک مختص به خود افتاده‌اند. علت اصلی گرایش به سمت بانکداری صنفی آن است که اصناف مختلف، اعضا و کارکنان یک صنف و یا نهاد، زمانی که با محدودیت‌های اعتبارسنجی در اخذ تسهیلات از سیستم بانکی مواجه می‌شوند، برای عبور از این محدودیت‌ها از یک سو و امکان تجهیز منابع کم‌هزینه‌تر و در نتیجه اخذ وام‌های ارزان‌تر از سوی دیگر، به فکر تأسیس بانک مختص به خود می‌افتند. بانک‌های صنفی، منابع جامعه را برای اختصاص به یک بخش، صنعت و یا صنف، تجهیز می‌نمایند که این موضوع ریسک بالایی را متوجه سپرده‌گذاران می‌نماید و با مقررات بانک مرکزی نیز مغایرت دارد و یا اینکه منابع صنف مربوط (یعنی همان سهامداران) را برای اختصاص به خودشان تجهیز می‌کنند که این موضوع نیز باعث افزایش هزینه‌های سهامداران می‌شود و اگرچه در ظاهر تسهیلات ارزان‌قیمت نصیب آن‌ها می‌گردد، اما تجهیز همین منابع توسط سایر بانک‌ها و اختصاص به خود آن‌ها در قالب وجوه اداره‌شده و با نرخ دلخواه به‌راحتی امکان‌پذیر است. ضمن آنکه برای تأسیس بانک صنفی و تخصیص منابع به اعضای صنف، سهامداران مجبور به دور زدن قوانین متعدد بازار پول و سرمایه می‌شوند، حال آنکه در حالت دوم (وجوه اداره‌شده)، با هزینه کمتر و به‌صورت قانونمند این اتفاق صورت می‌پذیرد. رشد بانک‌های

خصوصی به لحاظ تعداد و اندازه، اگرچه در هر اقتصادی مطلوب است و باعث کارآمدتر شدن نظام بانکی به‌واسطه رقابت بیشتر می‌شود، اما این مهم به شرطی تحقق می‌یابد که سهامداران بانک خصوصی صرفاً با هدف سرمایه‌گذاری و کسب سود وارد فعالیت بانکداری شده باشند. تجربه نشان داده است که بانک‌های صنفی، غالباً بانک‌های کارآمدی نخواهند بود و باعث افزایش ریسک سیستمی نظام بانکی می‌شوند. کارآمدی نظام بانکی و توسعه بانکداری الکترونیک برای امکان ارائه خدمات مناسب به اصناف و نهادهای مختلف، شفافیت بیشتر در اعطای تسهیلات بانکی و حذف موانع غیرضروری در اعطای تسهیلات خُرد و از همه مهم‌تر، نظارت دقیق بر رعایت بخشنامه‌ها و مقررات بانک مرکزی در خصوص اعطای تسهیلات به اشخاص مرتبط (براساس آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط مصوب یک‌هزار و یک‌صد و هجدهمین جلسه مورخ ۸۹/۷/۲۷ شورای پول و اعتبار منضم به نامه شماره ۱۷۳۷۷۲ مورخ ۸۹/۸/۱۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) و ذی‌نفع واحد (براساس ضوابط مربوطه از جمله سیاست‌های پولی، اعتباری و نظارتی نظام بانکی کشور سال ۹۱) می‌تواند راهکارهایی برای مدیریت چالش بانکداری صنفی و کم کردن علاقه نهادها و اصناف به تأسیس بانک باشد. (Shahiki Tash & Abdi, 2016)

مطالبات غیرجاری

یکی دیگر از چالش‌های شبکه بانکی، به‌ویژه در چند سال اخیر، مشکلی به نام مطالبات غیرجاری و یا در اصطلاح عام، مطالبات معوق است. افزایش نرخ‌های سود تسهیلات، رکود ناشی از بحران‌های مالی و اقتصادی در دنیا، عدم تعمیق و گسترش بازار سرمایه و بروکراسی‌های اداری در نظام اداری و قضایی کشور، همگی عوامل افزایش حجم مطالبات غیرجاری بانک‌ها هستند. در گذشته که بخش اعظم سیستم بانکی دولتی بود، این مشکل چندان نمودی نداشت، اما در دو سال اخیر، وقتی که بانک‌های خصوصی‌شده به‌واسطه ذخایر مورد نیاز برای مطالبات غیرجاری، سودآوری خود را در خطر دیدند، توجه بیشتری به این موضوع معطوف نمودند. بر اساس آمارهای تقریبی، نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات بانک‌ها، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد می‌باشد؛ یعنی ۲۰ تا ۲۵ درصد تسهیلات شبکه بانکی بازگشت به‌موقع ندارد که این موضوع ریسک بالای اعطای تسهیلات در شبکه اقتصاد داخل را نشان می‌دهد. (Farahsa, 2021)

ضعف فناوری اطلاعات

شاید یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدیریت دولتی در بانک‌ها را عدم توجه به رشد فناوری اطلاعات در بانک‌ها دانست. بانک‌ها با ساختار سنتی و سیستم‌های سنتی و با توجه به ساختار دولتی و عدم رقابت از یک سو و بالا بودن هزینه‌های ارتقای تکنولوژی و ترس از برخورد با دستگاه‌های نظارتی در این‌گونه موارد از سوی دیگر و البته اندکی نیز به دلیل تحریم‌های تکنولوژیکی، در رشد فناوری و تکنولوژی از کارنامه قابل قبولی برخوردار نیستند. این عقب‌ماندگی تکنولوژیکی در جای‌جای بانک‌ها و خدمات آن‌ها قابل مشاهده است. مقام‌های مسئول، از جمله بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت فناوری اطلاعات نیز در این حوزه اقدام قابل ملاحظه و اثرگذاری نداشتند. (Farmanara & Ghaffari, 2019)

تحقیقات نشان داده‌اند که اگر مؤسسه‌ها همراه با تکنولوژی روز حرکت نکنند، با گذشت زمان هزینه‌های ارتقای تکنولوژی به‌صورت تصاعدی افزایش می‌یابد، آنچه که اکنون در خصوص سیستم بانکی کشور اتفاق افتاده است. یکی از دلایل اصلی عدم پیشرفت در فناوری اطلاعات، نبود راهبرد مناسب در سطح ملی و راهبرد مناسب در سطح بانک‌هاست. تقریباً تمامی بانک‌ها مطالعات متعددی در رابطه با تدوین استراتژی فناوری اطلاعات و نیز سیستم‌های جامع بانکی داشته‌اند، اما هنوز اغلب بانک‌ها راهبرد مشخصی در این زمینه نداشته و با تغییرات مدیران بانکی،

حرکت‌های ناقص انجام‌شده در این زمینه نیز بی‌نتیجه می‌ماند. کمبود متخصص تدوین راهبرد فناوری اطلاعات که هم به حوزه فناوری اطلاعات، هم به حوزه تدوین استراتژی و هم به حوزه بانکداری آشنا باشد، مزید بر علت برای عدم تدوین استراتژی‌های مناسب در این حوزه شده است.

۷. نظارت؛ سیستم بانکی کشور در چارچوب سه قانون اصلی شامل «قانون پولی و بانکی»، «لایحه قانونی اداره امور بانک‌های دولتی» و «قانون بانکداری بدون ربا» فعالیت می‌کند. بر اساس قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور و ناظر بر سیستم بانکی است. نکته‌ای که در اینجا قابل بررسی است، نحوه نظارت بر عملیات بانک مرکزی و پاسخگویی آن در قبال مسئولیت‌هایی است که به عهده دارد. در اینجا مرور تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که از این نظر، بانک‌های مرکزی در جهان به ۳ بخش قابل تقسیم می‌باشند؛ دسته اول بانک‌هایی هستند که به دولت پاسخگو بوده و به‌طور غیرمستقیم در برابر مجلس نیز مسئولیت دارند، دسته دوم بانک‌هایی هستند که تنها در برابر مجلس پاسخگو می‌باشند و دسته سوم بانک‌های مرکزی مستقلی هستند که در موارد لزوم و بروز اختلاف به پادشاه و یا رئیس کشور مراجعه می‌کنند. از منظر نظارت بر مؤسسه‌های مالی نیز دو رویه در سطح دنیا موجود است که رویه اول، نظارت بانک مرکزی بر مؤسسه‌های پولی و بانکی و رویه دوم، جدایی وظیفه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی از بانک مرکزی در قالب نهادی مستقل است. نظارت در کشور ما منطبق بر رویه اول است و در کشورهایی نظیر ترکیه و انگلیس روش دوم جاری است. کشورها به‌منظور استقلال بیشتر بانک مرکزی و تمرکز بیشتر بر سیاست‌گذاری پولی، وظیفه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی را که وظیفه‌ای سنگین و پرمسئولیت است از بانک مرکزی جدا و در قالب یک نهاد مستقل ساماندهی می‌کنند. (Gholich, 2016)

قوانین ناظر بر عملیات بانک‌ها، به دلیل تعدد و عدم به‌روز شدن، جامعیت کافی برای سیستم بانکی را نداشته و به همین رو، از سال‌ها پیش این قوانین در دست بررسی برای تجمیع و به‌روز شدن است. در کشور ما مقام نظارتی بانک‌ها بانک مرکزی بوده که علاوه بر وظایف سیاست‌گذاری پولی به این مهم نیز می‌پردازد. از سوی دیگر، مقام نظارتی بازار سرمایه، سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد که زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی فعالیت می‌کند. بازار سرمایه کشور خود در چارچوب قانونی مجزا فعالیت می‌کند. مجموعه عوامل یادشده، به همراه مدیران وابسته به دولت در رأس بانک مرکزی از یک سو و بانک‌های بزرگ از سوی دیگر، ضعف تکنولوژی در سیستم بانکی کشور و نبود دیدگاه جامع نظارتی در مقام ناظر، نظارت بانکی در کشور را با مشکل مواجه کرده است.

مشکلات دریافت تسهیلات

نظام بانکی کشور ما، تسهیلات متعددی را برای خانوارها عرضه می‌کند که به دلیل نرخ‌های این تسهیلات از یک سو و نبود مکانیسم صحیح تخصیص اعتبار، دسترسی به این تسهیلات بانکی عادلانه نبوده و برای عموم به‌صورت یکسان نمی‌باشد. همین امر باعث می‌شود که برخی از افراد که به‌واسطه ماهیت شغل خود و یا به‌واسطه ارتباطات شخصی و غیرشخصی دسترسی بیشتری به این تسهیلات دارند، بعضاً بیش از توان اعتباری خود اقدام به اخذ تسهیلات نمایند و این امر باعث ارتقای زندگی آنان نسبت به افراد مشابهی می‌شود که چنین دسترسی را ندارند. این امر مشکلاتی را نیز برای بانک‌ها به وجود آورده است، از جمله افزایش مطالبات معوق. (Ghaemi Asl & Valaei, 2020b)

انواع تسهیلات خرد بانکی عرضه‌شده از سوی نظام بانکی کشور را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته «تسهیلات مصرفی» و «تسهیلات کارآفرینی» تقسیم کرد. برخی از این تسهیلات همانند وام قرض‌الحسنه ازدواج دارای مکانیسم مشخص پرداخت است و از

این رو، اغلب متقاضیان حائز شرایط موفق به اخذ آن می‌شوند. هرچند که برخی از افراد غیر واجد شرایط نیز این تسهیلات را دریافت می‌کنند و برخی از افراد واجد شرایط به دلایل مختلف، از جمله ضوابط سخت بانک‌ها، موفق به دریافت آن نمی‌شوند، اما در مجموع با اقدام‌های مثبت انجام‌شده از سوی بانک مرکزی، این نوع تسهیلات تقریباً عادلانه‌ترین نوع تسهیلات نظام بانکی کشور است. اما در خصوص سایر تسهیلات بانکی، عموم جامعه ما به عدالت در پرداخت تسهیلات خرد کمتر اعتقاد دارند و همین امر را مانعی در توسعه معیشت خود می‌دانند. امروزه تسهیلات بانکی خرد به‌عنوان روشی مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، به‌ویژه فعالیت‌های خوداشتغالی، جهت مقابله با فقر و توانمندسازی فقرا در کشورهای مختلف شناخته شده است و برخی از کشورها در این زمینه به توفیق‌های چشمگیری دست یافته‌اند. به‌طوری‌که جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۶ م. به پروفسور «محمد یونس» و گرامین بانک نشان داد تأمین مالی خرد به وسیله مهمی برای مبارزه با فقر در تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تبدیل شده است. (Shahmohammadi, 2018)

یکی از مشکلات اساسی مردم در اخذ وام‌های خرد، پس از موضوع عدالت در دسترسی که چالشی بزرگ و نیازمند بررسی است، درخواست ضامن توسط بانک‌هاست. با توجه به فرهنگ موجود و عدم بازپرداخت به‌موقع تسهیلات توسط تسهیلات‌گیرنده، ضامنین در غالب موارد دچار مشکل شده و وجوه آنان در بانک اعتباردهنده مسدود و ضبط می‌شوند و یا بخشی از حقوق آنان توقیف می‌شود. به دلیل عدم آشنایی ضامنین با مسئولیت‌های خود و فرم‌هایی که ذیل آن‌ها را امضا نموده‌اند، اغلب برای آنان نارضایتی در هنگام توقیف وجوه و یا حقوق خود ایجاد می‌شود.

اگرچه بر اساس ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا، قراردادهای تسهیلات بانکی بنا به توافق دو طرف، در حکم اسناد لازم‌الاجرا و تابع آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی هستند و به دریافت وثایق و تضمینات دیگری نیاز نیست، اما بانک‌ها می‌توانند به‌منظور حصول اطمینان بیشتر از وصول مطالبات خود در برابر تسهیلات اعطایی، از بین انواع وثایق و تضمینات قابل قبول خود تأمین کافی دریافت کنند که طلب ضامن از آن جمله است.

گرامین بانک با روش وثیقه کردن دارایی دسترسی به وام در آینده، امکان دریافت وام برای فقرا بدون دریافت وثیقه را فراهم آورد. همین روش در کشورهای توسعه‌یافته در قالب شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری انجام می‌شود. عملکرد بهتر در بازپرداخت تسهیلات به معنای دسترسی به تسهیلات بیشتر در آینده است که یک دارایی محسوب می‌شود. اعطای وام گروهی و تضمین گروهی از جمله ابداعات گرامین بانک بود. بر اساس مقررات گرامین بانک، در صورتی که یکی از اعضا در بازپرداخت اقساط وام خود با مشکل مواجه گردد، سایر اعضای گروه موظف به پرداخت بدهی او می‌باشند. همچنین برای تقویت انگیزه بازپرداخت وام و کاهش ریسک تأخیر در پرداخت اقساط وام، میزان وام پرداختی به اعضا در طول زمان افزایش می‌یابد.

یکی از مسائل نظام بانکی کشور که ریشه در مشکلات متعدد دیگر دارد، پرداخت تسهیلات عمده است. به دلیل نرخ‌های کمتر از حد نرخ تعادلی و در بسیاری از سال‌ها نرخ‌های تسهیلات کمتر از نرخ‌های سود سپرده‌ها، اخذ تسهیلات از بانک‌ها و سپرده‌گذاری در سیستم بانکی یک فعالیت بسیار سودآور و بدون ریسک بوده است. در شرایطی که نرخ سود تسهیلات از نرخ تورم پایین‌تر باشد، اخذ تسهیلات به معنای دریافت قرض همراه با پاداش است. بدیهی است در چنین شرایطی تقاضا برای تسهیلات بسیار بالا خواهد بود و پاسخگویی به تمامی تقاضاها امکان‌پذیر نیست. این امر همان مفهوم رانت است. (Arabi & Bokiya, 2019)

هرچند نظارت بر مصرف تسهیلات یکی از وظایف سیستم بانکی است، اما به دلیل حجم بالای تسهیلات پرداختی از نظر تعداد و

وجود روابط ناصحیح، بعضاً نظارت‌ها نیز کارآمد نبوده و مشتریان با توسل به روش‌های غیرمتعارف نظیر تطمیع یا بهره‌گیری از صاحبان قدرت و سیاستمداران و غیره، به منابع بانکی بزرگ دست یافته و از این منظر و به لطف تورم در عرض چند سال دارایی خود را چند برابر و البته تسهیلات بانکی را نیز به چند برابر رسانده‌اند و همچنان از مزایای تورم و نرخ‌های سود پایین بهره می‌برند. در چنین شرایطی، کارآفرینی حرف اول در تولید و صنعت را نمی‌زند، بلکه روابط و دانستن روش‌های اخذ تسهیلات و اعتبار است که می‌تواند عامل پیشرفت باشد. عدم وجود نظام‌های اعتبارسنجی، ضعف سیستم‌های فناوری بانک‌ها و بانک مرکزی و عدم وجود سامانه‌های رتبه‌بندی اعتباری باعث گردیده تا یک فرد بتواند از بانک‌های مختلف اخذ تسهیلات نماید و همگی آن‌ها نیز معوق شود.

چندنرخی شدن ارز، رانت و فساد اقتصادی مانع رقابت سالم بانکی

موضوع دیگر در این خصوص، بحث چندنرخی شدن ارز است. این مسئله، فارغ از اینکه رانت‌زا و فسادآور است، شفافیت را از اقتصاد می‌گیرد. این روند در برخی موارد منجر به آن می‌شود که یک مدیر اقتصادی به‌جای آنکه بنگاه خودش را براساس اصول صحیح اقتصادی مدیریت کند، به دنبال این باشد که از مابه‌التفاوت نرخ ارز برای خود تأمین درآمد کند. حاصل این رویکرد آن است که بخش تولید به‌جای حرکت در مسیر افزایش تولید ناخالص ملی، متوجه حرکت‌های سوداگرانه و تصمیمات کوتاه‌مدت در اقتصاد شود. اخیراً به‌واسطه نوسانات شدید در بازار ارز، مسئولان بانک مرکزی از پیگیری اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز سخن گفته و رویکرد خود را تحقق این سیاست عنوان می‌کنند. اما به اعتقاد اغلب کارشناسان اقتصادی، در شرایط کنونی حتی اگر چنین رویکردی در دستور کار باشد، دولت توانایی اجرای آن را نخواهد داشت. (Salehi & Zarandi, 2013)

امکان تک‌نرخی شدن ارز به معنای واقعی در شرایط کنونی وجود ندارد، اما می‌توان این شکاف عمیق را مدیریت کرد. هرچه شکاف موجود عمیق‌تر شود، فساد ناشی از تفاوت نرخ ارز دولتی و بازار بیشتر شده و اثرات منفی آن روی اقتصاد افزایش می‌یابد. حقیقت این است که به‌واسطه تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، چرخه مبادلات ارزی کشور از یک چرخه به دو چرخه تبدیل شده است. یک جریان، جریان ارز اصطلاحاً مبادله‌پذیر است؛ یعنی دلار یا یورویی که می‌توان با آن تبادلات خارجی را انجام داد، سفر کرد و... . جریان دیگر، ارزی است که در نظام بانکی رسمی کشور وجود دارد که این چرخه به‌واسطه منافذ بسیار محدودی به چرخه ارزی اول متصل شده است. این منافذ همان تعداد بانک‌های محدودی هستند که در کشورهای دیگر با ما همکاری می‌کنند. به‌واسطه محدود بودن منافذ چرخه دوم با چرخه اول، با ترافیک زیادی در این مسیر مواجه هستیم. هرچه جریان موجود میان این دو چرخه کمتر و محدودتر شود و یا تقاضا برای چرخه رسمی بانکی افزایش یابد، شکاف بین این دو نرخ ارز افزایش می‌یابد. لذا برای رفع این شکاف نباید به دنبال تثبیت نرخ رسمی ارز در داخل بود، بلکه باید این نرخ را تا جایی افزایش داد که عرضه آن با تقاضا به تعادل برسد. در حال حاضر تقاضای بازار به سمت دلار رانتی سوق پیدا کرده و به دلیل عدم پوشش تقاضای موجود، چرخه ارزی خارج از کشور هم با سیر صعودی افزایش قیمت روبه‌رو شده است. به‌منظور مدیریت این تقاضا باید سعی شود بخشی از تقاضای ارز داخلی به سمت ارز خارجی سوق پیدا کند. بنابراین، ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز دولتی تنظیم کارآمدی در حوزه عرضه و تقاضا به همراه نخواهد داشت و با سخت‌تر شدن تحریم‌ها، شکاف بین دو نرخ ارز افزایش می‌یابد. خصوصاً در شرایط کنونی، لزوم مدیریت بازار ارز کشور از سوی بانک مرکزی امری غیرقابل اجتناب است، چراکه ما هم‌اکنون در شرایط عادی قرار نداریم. موضوع تحریم، چرخه ارزی کشور را از حالت تعادل خارج کرده

است. در این شرایط، مکانیزم بازار آزاد ارز جواب نمی‌دهد. همان‌طور که اشاره شد، بخش قابل ملاحظه‌ای از تب بازار ارز کشور ناشی از تحریم‌های اقتصادی و تشدید آن‌هاست. در این خصوص می‌خواهیم به دیگر ابعاد تحریم‌های اقتصادی علیه کشور بپردازیم. امروز با همسویی اغلب کشورهای اروپایی، آمریکایی و بعضاً برخی کشورهای آسیایی با تحریم‌ها علیه ایران، اغلب ارتباطات تجاری ما در سطح بین‌المللی به کشورهایی نظیر ترکیه و چین محدود می‌شود. آیا با ادامه روند موجود، ایران می‌تواند تنها با برخورداری از تعاملات تجاری با کشورهای محدودی از جمله چین، با قدرت به فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود ادامه دهد؟

شاید آن سطح ارتباط مدنظر، با قطع همه روابط و ادامه ارتباطات محدود با برخی کشورها مثل چین، روسیه، ترکیه و عراق که تعاملات تجاری و اقتصادی آن‌ها با هر نوع تحریم غیرقابل اجتناب است، برای ما قابل قبول باشد. اما موضوع اصلی آن است که آیا ما به همین سطح از تعاملات تجاری که حاصل آن وضعیت کنونی اقتصادی کشور است، اکتفا خواهیم کرد؟ آیا می‌توانیم همین رویه را در درازمدت پیگیری کرد و به دنبال تحقق اهداف برنامه پنجم و سند چشم‌انداز باشیم؟

در شرایط کنونی شاهد آن بودیم که نرخ شاخص‌های اقتصادی کشور طی دو، سه سال گذشته به‌شدت با کاهش روبه‌رو بوده و میان شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با کشورهای رقیب، شکاف قابل‌توجهی ایجاد شده است. همچنین نرخ تشکیل سرمایه ثابت در داخل کشور رو به منفی شدن گذاشته، همه این موارد بیانگر آن است که ادامه شرایط کنونی در درازمدت، پویایی و پایداری اقتصاد ما را به مخاطره خواهد انداخت. بر این اساس، باید با یک رویکرد مشخص، اقتصاد، سیاست و دیگر اولویت‌های کشور را در کفه ترازو گذاشته و با نگاه ملی آن را مورد ارزیابی قرار دهیم. اما باید توجه داشت که همین میزان از تحریم‌ها به‌واسطه تبعاتش در حوزه‌های مختلف، از جمله سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، نرخ ارز، سطح تعاملات تجاری و...، در یک دوره طولانی‌مدت به‌مرور اقتصاد کشور را فرسوده می‌کند.

یکی از ابزارهایی که در شرایط خاص سیاسی، به‌ویژه در زمان تحریم، بیش از دیگر مواقع می‌تواند به کمک حفظ تعاملات اقتصادی بین‌المللی بیاید، دیپلماسی اقتصادی است. در چنین شرایطی که دست دولت برای بهره‌گیری از این ابزار محدودتر شده، می‌توان از بانک‌ها به‌عنوان بازوی مشاوره اقتصادی کشور انتظار استفاده از این ابزار را داشت. اگرچه بانک‌ها باید در شبکه‌سازی اقتصاد و کسب‌وکار در عرصه بین‌المللی به‌صورت فعال‌تر از آنچه که امروز هست ظاهر شوند، اما باید در اجرای این مأموریت و وظیفه خود، حد و مرز خود را شناخته و از آن فراتر نرود. چیزی که به‌عنوان دیپلماسی اقتصادی عنوان می‌شود؛ ابتدا دیپلماسی است و بعد رویکرد اقتصادی پیدا می‌کند. دیپلماسی در کشور ما شرایط خاص خود را دارد. اگر بانک‌ها در حوزه دیپلماسی اقتصادی دیدگاه و نقدی دارد، باید آن را به دستگاه متولی دیپلماسی منتقل کرده و در صورت لزوم، ظرفیت‌های خود را در این حوزه معرفی کند. ورود بانک‌ها به دیپلماسی، بدون تفویض مأموریتی از سوی دستگاه‌های دیگر امکان‌پذیر نیست. (Kimasi & Khoshnevis, 2020)

برخی اختیارات در حیطه وظایف بانک‌ها دیده نشده، اما قانون بهبود فضای کسب‌وکار که هم‌اکنون از تصویب مجلس گذشته، تا حدودی این امکان را فراهم می‌کند که بانک مرکزی بتواند در حوزه مشاوره و ارائه دیدگاه‌های خود به سه قوه پررنگ‌تر از قبل ظاهر شود. اما از زمان ارزیابی مواد این قانون و تصویب آن در مجلس، شاهد برخی موضع‌گیری‌های دولتی در قبال قانون بهبود فضای کسب‌وکار بودیم. در این خصوص، برخی مسئولان دولتی معتقدند که این قانون بانک‌ها را از حالت مشاوره‌ای خارج کرده و به آن قدرت اجرایی می‌بخشد.

براساس ماده ۹۱ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به بانک‌ها مأموریت داده شد برای ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و بهبود مستمر فضای کسب‌وکار یک پیش‌نویس تهیه کنند. بر مبنای این امر، بانک مرکزی با برخورداری از یک مأموریت قانونی، پیش‌نویس قانون را تهیه کرده و به دولت و مجلس ارائه دادند. در آن زمان دولت خیلی به موضوع ورود پیدا نکرد، اما مجلس با ارجاع این قانون به کمیسیون اصل ۴۴، بررسی آن را در دستور کار قرار داد که تاکنون مصوبه قاطعی برای تصویب نگردیده است.

محورهای انجام اصلاحات قراردادهای ساختاری در نظام بانکی

با نگاهی به تحولات اقتصادی جامعه، به‌ویژه در چند سال اخیر، به‌خوبی می‌توان دریافت که اقتدار و یکه‌تازی نظام بانکی دولتی کشور در عرصه اقتصاد به‌تدریج و بنا بر ضرورت‌ها و الزامات داخلی و بین‌المللی در حال کاهش است. این اقتدار که البته آثار مطلوب و نامطلوبی را به همراه دارد، عمدتاً محصول ضرورت‌ها و نگرش حاکم بر فضای اقتصادی کشور در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی بود که در قانون ملی شدن بانک‌ها، لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها و قانون عملیات بانکی بدون ربا متبلور گردید. (Jafari, 2021)

مقررات‌زدایی

هرچه نهادهای ملی و نظام حقوقی، بیشتر مشوق رقابت و مالکیت خصوصی باشند و بتوانند متناسب با نیازهای همیشه در حال تغییر اقتصاد ملی متحول شوند، عملکرد نظام بانکی نیز مطلوب‌تر خواهد بود. از یک طرف، هرچه مقررات محدودکننده بر ورود و فعالیت‌های نظام بانکی کمتر باشد و از آن طرف، مقررات مربوط به نظارت و کنترل‌های داخلی نظیر شفاف‌سازی اطلاعات، استانداردهای ذخیره‌گیری، کفایت سرمایه، طبقه‌بندی وام‌ها، راهبری اثربخش بنگاه و کنترل و نظارت بر آن توسط بخش خصوصی دقیق‌تر باشد، کارایی نظام بانکی نیز افزایش خواهد یافت و احتمال وقوع بحران در آن کمتر خواهد بود.

در واقع، وجود مقررات دست‌وپاگیر موجب می‌گردد که بنگاه‌های تحت کنترل قادر باشند تا ناکارایی و هزینه‌های بالای خود را به شکل قیمت‌های بالاتر با کیفیت پایین‌تر به مصرف‌کننده تحمیل کنند. این امر می‌تواند منجر به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های ناکارآمد و سازماندهی تولید به‌صورت غیراقتصادی گردد. از همه مهم‌تر اینکه مانع تنوع کالاها و خدمات می‌شود و پیشرفت‌های فنی را ناکارآمد می‌سازد. حذف مقررات زائد در نظام بانکداری می‌تواند بانک‌ها را به مدیریت بهتر سبد دارایی، اعطای وام‌های کاراتر، کاهش قیمت و افزایش کیفیت خدمات وادارد و این امر به تغییر ساختار بازار به حالت رقابتی و افزایش آن بین بانک‌ها وابسته است. تنگناهای قانونی و مقرراتی موجود در نظام بانکداری کشور را ناشی از دو منشأ می‌توان دانست: مالکیت دولتی بانک‌ها و اداره دولتی بانک‌ها. با خصوصی‌سازی نظام بانکی، بسیاری از تکالیف نظام بانکی که همواره با استفاده از ابزار مستقیم سیاست پولی به آن محول شده است، محدود می‌گردد و بسیاری از رویدادهای اداری و مدیریت بانک‌ها متحول می‌شود و در نتیجه، این صنعت در جهت افزایش کارایی و رقابت پیش خواهد رفت. (Poostinchi et al., 2016)

نکته قابل ذکر آن است که حذف مقررات زائد باید در چارچوب یک برنامه بسیار دقیق، سیستماتیک و همه‌جانبه و با پیش‌بینی قبلی از عواقب احتمالی انجام پذیرد، به‌طوری‌که درصد قابل ملاحظه‌ای از موفقیت این برنامه، وابسته به اجرا و نظارت صحیح بر انجام این فرآیند است. در بخش مالی، تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که ناتوانی در تصحیح نبود تعادل‌های کلان اقتصادی و اجرای چارچوب نظارتی مناسب در طول دوره اصلاحات مالی، از علل اولیه و اصلی انجام اصلاحات بوده است. به این ترتیب که فعل و انفعالات میان نوسان‌های اقتصادی و نظارت ناکافی بر بانک‌ها موجب شده است تا بانک‌ها در تقبل وام‌های مخاطره‌آمیز بیش از حد خطر کنند. در نتیجه، نرخ بهره به‌طور ناگهانی افزایش

می‌یابد و پیامدهای معکوس بر سرمایه‌گذاری و نرخ رشد دارد. برای جلوگیری از این پیامدها باید تثبیت اقتصادی و بهبود نظارت بانکی به‌عنوان عواملی مهم با آزادسازی نرخ بهره همراه شود. در حقیقت، نظارت قوی بر نظام بانکی، یکی از ارکان کلیدی تجربه‌های موفق در آزادسازی مالی به شمار می‌رود. از طرف دیگر، در عین نظارت دقیق نباید مقررات جدید هنگام اجرای این فرآیند اضافه گردد، به‌گونه‌ای که نیاز به حذف مقررات زائد، بیشتر نمایان گردد. به عبارت دیگر، نظارت بیشتر می‌بایست بدون وضع مقررات جدید انجام شود. (Beigi, 2021a)

آزادسازی اقتصادی و پیش‌نیازهای خصوصی‌سازی بانک‌ها

آزادسازی اقتصادی که خصوصی‌سازی را نیز در بر می‌گیرد، از اصولی‌ترین مسائل اقتصادی و برنامه‌ریزی کشور و در زمره اساسی‌ترین مباحث اقتصادی بین‌المللی کنونی است. اساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و متعاقب آن، اجرای خصوصی‌سازی در کشور، آزادسازی اقتصادی است که بدون آن، اجرای خصوصی‌سازی موفق نخواهد بود. (Monetary & Banking Research, 2002)

آزادسازی اقتصادی در اصل و مفهوم کلی بر نفی دخالت دولت در اقتصاد و نظام بازار (به‌خصوص قیمت‌گذاری کالاها و خدمات) دلالت دارد و به معنی مقررات‌زدایی، آزادسازی قیمت‌ها و شکستن انحصارات است. نقش آزادی اقتصادی در پیشبرد اقتصاد، بسیار مهم‌تر از مالکیت و کنترل بخش خصوصی بر بنگاه‌هاست؛ زیرا با آزادسازی اقتصاد و ایجاد فضای رقابت، زمینه لازم برای تحرک اقتصادی و ارتقای شرایط محیطی کسب‌وکار فراهم می‌گردد و دیگر عوامل را به دنبال خود می‌کشاند.

از طرفی، آزادسازی اقتصادی بر آزادسازی قیمت‌ها نیز دلالت دارد. در واقع، نرخ سود بانکی، تعیین‌کننده قیمت پول در بازار پول است. همان‌طور که دولت نمی‌تواند در بازار کالا برای تولیدکنندگان نرخ تعیین کند، در بازار پول نیز چنین است. یعنی دولت نمی‌تواند راه‌اندازی بانک‌های خصوصی و مشارکت در عرضه و تقاضای پول را به بخش خصوصی توصیه کند، اما قیمت پول را خود دولت تعیین کند. به عبارت دیگر، چگونه ممکن است یک بانک خصوصی حداقل ۱۶ و ۱۷ درصد سود بپردازد، اما از سوی دیگر، سودی معادل ۱۲ و ۱۳ درصد دریافت کند؟ در واقع، عده‌ای بدون توجه به نرخ تورم و به بهانه کاهش آن، نرخ سود بانکی را کاهش می‌دهند. در این حالت، باید افزایش میزان سرمایه‌گذاری در کشور و کاهش نرخ تورم، در پی کاهش نرخ سود بانکی ثابت شود. هر دو این شاخص‌ها برعکس عمل کرده‌اند و این امر نشان می‌دهد نرخ سود، تعیین‌کننده فضای کار و سرمایه‌گذاری نیست، بلکه عوامل دیگری، نرخ سود را تعیین می‌کنند. از طرف دیگر، با کاهش نرخ سود، میزان تقاضا برای دریافت تسهیلات بانکی افزایش می‌یابد، اما بانک‌ها نمی‌توانند بر اساس تحرک تقاضا، پول عرضه کنند. این در حالی است که ما به دلیل افزایش نقدینگی درصدد کاهش آن هستیم و این امر نشان می‌دهد سیاست‌هایمان در جهت اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی نیست و باید برای رسیدن به این هدف، گام‌های شجاعانه‌تری برداریم. به‌طوری‌که گام اول و اساسی در تغییر سازوکار اقتصاد کشور و قرار دادن آن در مسیر رشد و شکوفایی واقعی، تن دادن دولت به آزادسازی اقتصاد است. (Jahangiri, 2019)

توان‌بخشی نظارت اداری

به‌طور کلی، ارائه یک تعریف مشخص از نظارت بانکی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا نظارت بانکی، مجموعه‌ای از فعالیت‌های پیچیده و گسترده بانک‌های مختلف را شامل می‌شود و تعاریف متعدد و گوناگونی را بر حسب زمینه مورد بحث می‌طلبد. در این میان، حفظ ثبات و سلامت مؤسسه مالی، تبعیت از مقررات و حفظ منابع سپرده‌گذاران، نکات مشترک در تمام تعاریف موجود است. در قوانین متعدد، از جمله قانون پولی و بانکی کشور، لایحه قانونی

اداره امور بانک‌ها و قانون عملیات بانکی بدون ربا، بر مفهوم «نظارت» از سه دیدگاه تأکید شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

نظارت عمومی یا نظارت از لحاظ اعمال سیاست‌های پولی که از وظایف خاص بانک مرکزی به شمار می‌رود. نظارت اداری یا نظارت از لحاظ حسن اداره امور بانک که در واقع، نظارت بر امور همه واحدهای بانکی را شامل می‌شود و از وظایف مدیران بانک‌ها به شمار می‌رود. نظارت عملیاتی یا نظارت بر نحوه مصرف و بازگشت منابع نیز بخش دیگری از نظارت است. نظارت در نظام بانکی در پی آن است تا اطمینان یابد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به شیوه‌ای ایمن و صحیح عمل می‌کنند و در مقابله با ریسک‌های فراروی خود، از سرمایه و ذخیره کافی برخوردارند. نظارت بر بانک‌ها را می‌توان در قالب نظارت دستوری و نظارت احتیاطی طبقه‌بندی کرد. نظارت دستوری، ناظر بر نوعی نظارت استصوابی است که شامل امر و نهی مستقیم و در عمل به معنای دخالت همه‌جانبه در امور داخلی بانک به بهانه نظارت است، در حالی که نظارت احتیاطی به نوعی از نظارت مفید و سازنده اشاره دارد که تنها در راستای تأیید سلامت نظام بانکی صورت می‌گیرد و فقط ابعاد حیاتی و ضروری نظارت را در بر دارد. بنابراین، از نظر تضمین اجرای مقررات حاکمیت شرکتی، نظارت احتیاطی به دلیل تعیین چارچوب‌ها و حفظ رقابت و پیشگیری از تخطی بانک‌ها از سوی دیگر، حائز توجه بیشتری است.

مهم‌ترین راهبرد عملیاتی، افزایش کیفیت و مراحل نظارت بانک مرکزی بر اجرای درست قوانین توسط بانک‌هاست. قانون، زمانی مفید واقع می‌شود که توسط قوه اجرایی آن به مرحله اجرا گردد و بر درست اجرا شدن آن نظارت شود. اعمال قانون برای بانک یا هر نهادی پولی و مالی با هدف سلامت آن نهاد و جلوگیری از رانت‌خواری اعمال می‌گردد و از این رو، وجود رانت‌های موجود و با توجه به ساختار بانک که با حجم وسیعی از منابع جامعه سروکار دارد، بسیار محتمل است. بنابراین، نظارت دقیق و مستقیم و غیرمستقیم در کنار اقدامات پیشگیرانه از اهمیت ویژه برخوردار است. (Eslami Bidgoli & Kashanipour, 2004)

مطابق بند الف ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، بانک مرکزی ایران، مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و بانکی کشور است. بنابراین، یکی از وظایف مهم بانک مرکزی، نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای رعایت قوانین پولی و بانکی کشور مطابق قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۳۹ در بسیاری از موارد به نظارت و تأیید شورای پول و اعتبار مشروط است. مطابق بند ب ماده ۲ این قانون، شورای پول و اعتبار، وظیفه هدایت فعالیت بانک‌ها و نظارت در امور بانکداری را بر عهده دارد. در اجرای این وظیفه، شورا می‌تواند هرگونه اطلاع از دیگر بانک‌ها، اعم از بانک‌هایی را بخواهد که اساسنامه آن‌ها به تصویب مجلسین رسیده است یا طبق قانون بانکداری تأسیس شده باشند یا دستوراتی برای اجرا بدهد و عموم بانک‌ها موظف و مکلف به اجرای آن خواهند بود. وظایف نظارتی بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار بر بانک‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، اما شورای پول و اعتبار، عالی‌ترین نهاد سیاست‌گذاری بانک مرکزی است. (Javadipour & Hassanzadeh, 2004)

اصلاح قوانین بانکی، کاهش فساد اداری

با در نظر داشتن چهار حوزه اصلی اثرگذار در ایجاد و گسترش فساد در کشور شامل نبود شفافیت در مراودات مالی و تبادلات بانکی، نظارت بانکی و چالش‌های آن، چالش‌های پیش‌روی بازار غیرمتشکل پولی و ناکارآمدی سیستم‌های اطلاعاتی بین دستگاه‌ها، باید اذعان داشت که در همه این حوزه‌ها، فرآیندهای بانکی اثرگذار است. فرآیندهای بانکی شفاف و غیر فسادزا می‌توانند در کاهش فساد اداری در کشور اثر بگذارند و در مقابل، هرچه این فرآیندها غیردقیق، ناشفاف و فسادزا باشند، به‌عنوان کاتالیزور عمل می‌کنند و منجر به افزایش فساد خواهند شد. با توجه به موارد یادشده،

مسئله اصلی پژوهش حاضر، راهکارهای حقوقی اصلاح ساختاری نظام بانکی با هدف پیشگیری از فساد اداری است تا مشخص شود که فرآیندهای بانکی چه تأثیری می‌توانند در فساد اداری در ایران داشته باشند. در مورد فرآیندهای بانکی، مسائل فرعی دیگری نیز مطرح می‌شوند که از جمله مهم‌ترین مسائل فرعی، بحث تأثیر سنتی بودن فرآیندهای بانکی در ارتکاب فساد در نظام بانکی است. امروزه با عنایت به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید، فرآیندهای سنتی نمی‌توانند جوابگوی این حجم از کارکردهای بانکی باشند و کسانی که در خود بانک‌ها یا خارج از آن دارای اهداف مجرمانه هستند، با علم به این فرآیندهای سنتی مرتکب فساد می‌شوند. (Ebrahimi, 2018)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد فرادستی، سلامت اداری را با جامع‌نگری و در سطح کلان در نظر گرفته‌اند، ولی در مجموع قانون‌های فراگیر نظام اداری، فردمحوری غلبه دارد. البته قانون‌هایی هستند که برای سطح میانه اداره کشور تنظیم شده‌اند و این، مقتضی خروج از فردمحوری است. به این ترتیب، فردمحور بودن رویکرد متون مصوب مبارزه با فساد اداری در ایران، محدود به سطح قانون‌ها و به تبع، مقررات سطوح بعدی سلسله‌مراتب قوانین است. از این رو، می‌توان این نقص رویکردی را با اتکا به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی نظام اداری که با رویکردی جامع‌نگر و در سطح تحلیل کلان تنظیم شده‌اند، با اصلاح و تکمیل قانون‌های یادشده رفع کرد.

اهمیت مسئله سلامت اداری یا به عبارتی، مبارزه با فساد اداری از سطح یک مسئله نظام اداری فراتر رفته و به یک مقوله راهبردی در سطح کلان تبدیل شده است. فسادگریزی و سلامت اداری دستگاه‌های اجرایی کشور از جمله مواردی است که در منظومه حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران بر آن تأکید گشته است. با این حال، یکی از آسیب‌های مهم در نظام اداری ایران، هماهنگ نبودن دستگاه‌های نظارتی با یکدیگر است و اینکه سیاست واحد بر اعمال نظارت وجود ندارد. (Larijani et al., 2023)

یکی از دلایل وجود فساد در نظام اداری، وضعیت سیاست‌های پولی، بانکی و ارزی است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: متغیر بودن نرخ بهره و پیروی نکردن نرخ بهره از یک منطق اقتصادی و شرایط بازار، وجود اختلاف زیاد بین نرخ سود بانکی و نرخ تورم، نرخ‌های چندگانه ارزی، تخصیص سهمیه‌های ارزی و اعتبارات دولت به‌صورت غیرعادلانه و ناشفاف، چندنرخی بودن ارز که باعث ایجاد فساد و رانت در لایه‌های خاص می‌شود و وضعیت نظارت بر برداشت‌های غیرقانونی از حساب‌های بانکی. بانک‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهاد مالی، بزرگ‌ترین و اثرگذارترین واحدهای اقتصادی شناخته می‌شوند، به‌گونه‌ای که بر اساس رده‌بندی انجام‌شده توسط سازمان مدیریت صنعتی ایران در سال ۱۳۹۵، تقریباً تمامی بانک‌های موجود در میان ۴۰ غول بزرگ اقتصادی ایران قرار گرفته‌اند. بنابراین، سرمایه‌گذاران در سهام بانک‌ها و شرکت‌های تابعه آن‌ها، سرمایه‌گذاری کرده‌اند و به‌منظور حفظ و افزایش سرمایه ناگزیرند تمامی مخاطرات سرمایه‌گذاری خود را بررسی کنند که یکی از این عوامل، انتشار اخبار ناشی از فساد مالی در بانک‌ها و شرکت‌های تابعه آن‌هاست. فساد بانکی در همه کشورها، روند توسعه را مختل می‌کند. در این راستا، بانک جهانی برای دستیابی به اهدافی مانند کاهش فقر، جذب سرمایه‌گذاری و حمایت از حکمرانی خوب تلاش می‌کند. ریشه کردن فساد در بانک‌ها، نیازمند تقویت نهادی ساختارهای بانکی است که این امر از طریق نظارت بر فعالیت بانک‌ها مقدور است. بانک‌ها به‌عنوان مؤسساتی فعالیت می‌کنند که وظیفه آن‌ها، تضمین و تأمین گردش پول و اعتبارات و خدمات مالی است. ثبات آن‌ها در رشد اقتصادی، به‌خصوص در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، نقش اساسی دارد. در این میان، فساد بانکی، عدالت را در جامعه تضعیف می‌کند، ارزش‌های اخلاقی و دموکراتیک را به خطر

می‌اندازد و پیشرفت اقتصادی را کند می‌سازد. (Tanhaei, 2020)

یکی از راه‌های کاهش فساد بانکی، شفافیت اطلاعات است. در جوامع مردم‌سالار، دسترسی به اطلاعات شفاف، یکی از حقوق اصلی افراد به شمار می‌رود. شهروندان حق دارند در مورد تصمیمات مباشران خود و مبانی این تصمیمات اطلاعات کافی داشته باشند. همچنین اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه یکی از ارکان اصلی پاسخگویی مدیران اجرایی و از نیازهای اساسی تصمیم‌گیرندگان اقتصادی است. در خصوص ادبیات موضوع پایان‌نامه حاضر به کتاب علی‌اکبر احمدی و همکاران با عنوان «فساد اداری و مالی در سازمان‌های امروزی» می‌توان اشاره کرد که به بررسی انواع متعدد فساد و تعریف و تبیین هر کدام پرداخته و ریشه‌های فساد اداری و مالی را در سازمان‌های دولتی و خصوصی بررسی کرده است. مهدی قائمی اصل و فیروز ولایی در مقاله «بررسی تأثیر فساد اداری بر سلامت مالی در نظام بانکی ایران» به این نتیجه می‌رسند که مهم‌ترین راهکار عملیاتی برای مقابله با فساد اداری در نظام بانکی، افزایش کیفیت و مراحل نظارت بانک مرکزی بر اجرای درست قوانین در کنار افزایش جریمه‌ها و اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص بانک‌های خاطی است.

غلامرضا طالقانی و همکاران نیز در مقاله «بررسی عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر فساد اداری در شعب بانک سپه استان قم» به این نتیجه می‌رسند که بین پایبندی اعتقادی، ویژگی شخصیتی، سبک ارتباطی، سبک رهبری و کیفیت زندگی کاری به‌عنوان «عوامل فردی» و فساد اداری، رابطه معنادار وجود دارد. از طرف دیگر، بین نظام‌های کنترل و نظارت، نظام حقوق و دستمزد و فرآیندها و شیوه‌های کاری به‌عنوان عوامل سازمانی و فساد اداری، رابطه معناداری به چشم می‌خورد.

توسعه بانکداری الکترونیکی

سازمان الکترونیک برای انجام تغییرات در فرآیندهای سازمانی نظیر تمرکززدایی، بهبود کارایی و اثربخشی به‌کار گرفته می‌شود. اصولاً تعریف واحدی درباره سازمان الکترونیک وجود ندارد که این مسئله ناشی از ماهیت پویا و متغیر فناوری است. امروزه به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌منظور بهبود کارایی و اثربخشی، شفافیت اطلاعات و مقایسه‌پذیری مبادلات اطلاعاتی و پولی در درون سازمان، بین سازمان و سازمان‌های تابعه آن، بین سازمان و شهروندان و بین سازمان و بخش خصوصی، «سازمان الکترونیک» اطلاق می‌شود. به تعبیری دیگر، سازمان الکترونیک عبارت است از تعهد به استفاده از فناوری مناسب برای ارتقای ارتباطات سازمان با شهروندان و سازمان‌های وابسته به سازمان و به عبارتی، گسترش دموکراسی، ارتقای شأن و منزلت انسان، حمایت از توسعه اقتصادی، توسعه عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت خدمات‌رسانی به مردم. سازمان الکترونیک، شیوه‌ای برای سازمان‌ها به‌منظور استفاده از فناوری‌های جدید است که تسهیلات لازم را برای دسترسی مناسب افراد به اطلاعات و خدمات سازمانی، اصلاح کیفیت آن‌ها و ارائه فرصت‌های گسترده برای مشارکت در فرآیندها و نهادهای مردم‌سالار در اختیارشان قرار می‌دهد. استقرار سازمان الکترونیک از آغاز تا پایان در چهار مرحله صورت می‌گیرد: (Rostami, 2017)

مرحله اول: در این مرحله، اطلاعات عمومی درباره معرفی خدماتی که بانک ارائه می‌کند، از طریق اینترنت و غالباً به‌صورت جزوات الکترونیک به مردم ارائه می‌شود. در این مرحله، در دسترس بودن فرآیندهای کاری و نیز تشریح و شفاف‌سازی نحوه انجام امور برای مردم، ارزش تلقی می‌شود و واحدهای بانکی نیز می‌توانند اطلاعات آماری خود را از طریق ابزارهای الکترونیکی با یکدیگر مبادله کنند و زمینه‌های کاهش شفافیت را از بین ببرند.

مرحله دوم: در این مرحله، تعامل میان بانک و شهروندان قدری توسعه می‌یابد و مردم می‌توانند پرسش‌هایی را از طریق پست الکترونیکی مطرح سازند و فرم‌های مورد نظر را به‌منظور دریافت خدمات سازمانی از طریق اینترنت دریافت کنند. این امر موجب صرفه‌جویی در زمان و هزینه شهروندان می‌شود. در این مرحله، مردم فقط در ساعات اداری می‌توانند خدمات الکترونیک را دریافت کنند. به‌علاوه، در این مقطع، واحدهای درونی از طریق ایجاد شبکه‌های محلی به مبادله اطلاعات می‌پردازند.

مرحله سوم: در این مرحله، فناوری مورد استفاده پیچیده‌تر می‌شود و ارزش‌های مورد نظر مردم نیز افزایش می‌یابد. بدون نیاز به مراجعه مردم به ادارات، آن‌ها می‌توانند خدمات را از طریق شبکه‌های الکترونیک دریافت کنند. ارائه تسهیلات، پرداخت عوارض و مانند آن، در این مرحله بدون حضور مستقیم و مراجعه شهروندان به دفترهای مربوط انجام می‌شود. این مرحله به لحاظ امنیتی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و دریافت امضاهای الکترونیک برای ارائه خدمات ضروری خواهد بود. برای گذار از این مرحله، بانک به قوانین و مقررات جدیدی برای ارائه خدمات بدون کاغذ به شهروندان نیازمند است.

مرحله چهارم: این مرحله زمانی تحقق می‌یابد که همه سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه شوند و شهروندان با مراجعه به یک پایگاه واحد بتوانند همه خدمات مورد نیاز را دریافت کنند. رسیدن به این مرحله مستلزم ایجاد تغییر اساسی در فرهنگ و فرآیندهاست. در این مرحله، صرفه‌جویی‌های قابل ملاحظه‌ای در هزینه‌های مربوط به ارائه خدمات صورت می‌گیرد و رضایت شهروندان به حداکثر خود می‌رسد. (Jamour & Morattab, 2023)

اصلاح ساختار اداری بانک‌ها

نظام بانکداری ایران از یک بازار پولی کارآمد و پویا به‌منظور تجهیز و تخصیص بهینه منابع و خصوصاً ارائه خدمات مورد نیاز برای دستیابی به رشد پایدار غیرتورمی، رسیدن به ثبات مالی، تأمین نیازهای دیگر بخش‌ها، به‌ویژه بخش واقعی اقتصاد، محروم است. تخصیص غیربهینه منابع به همراه سهمیه‌بندی اعتبارات، تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی، مداخلات دولت در زمینه تعیین نرخ سود و تحمیل تسهیلات تکلیفی به نظام بانکی، از جمله مواردی است که در دو دهه اخیر، نظام بانکداری را از انجام وظایف محوله بر اساس قانون پولی و بانکی کشور بازداشته است. این وضعیت به شکل جدی در پیدایش فساد اداری نیز مؤثر است. (Jafari, 2021)

بررسی‌های موجود از عملکرد مالی بانک‌های تجاری و تخصصی نشان می‌دهد که بانک‌های کشور از نظر مالی در وضعیت ضعیفی قرار دارند. سه ویژگی عمده بانک‌های کشور در دو دهه اخیر را می‌توان تقلیل مستمر سهم سرمایه در ترازنامه بانک‌ها، ساختار هزینه‌های عملیاتی نسبتاً ناکارآمد و ذخیره‌گیری ناکافی نسبت به وام‌های معوقه و سوخت‌شده عنوان کرد. در واقع، بانک‌های کشور تا حدود زیادی، انگیزه‌های سود را از دست داده‌اند و به دلیل مداخلات دولت و تسهیلات تکلیفی و ترجیحی، در زمینه سیاست‌ها و اعتبارات دچار انفعال شده‌اند. در واقع، استمرار اعمال سیاست‌ها و تخصیص منابع از طرف دولت باعث شده است که بانک‌ها مطلقاً به تجزیه و تحلیل انواع ریسک‌های بازار و مدیریت و تنوع بخشیدن پرتفوی توجهی نداشته باشند. (Piltan, 2012)

بیشتر بانک‌های کشور از مدیریت واجد صلاحیت در زمینه‌های یادشده بی‌بهره‌اند و مدیریت‌ها اساساً انگیزه کافی برای بهبود عملکرد واحد تحت مدیریت خود ندارند. بسیاری از مشکلات و تنگناهای مالی بانک‌ها به دلیل ضعف مدیریتی، به‌ویژه در زمینه کیفیت پایین دارایی‌های اکتسابی، منجر به ناکارایی می‌شود. مضاف بر اینکه نظارت بر امور بانک‌ها و اعمال مقررات احتیاطی به‌صورت حرفه‌ای، به مفهوم بررسی ریسک‌های اعتباری، طبقه‌بندی وام‌ها، استاندارد کردن حساب‌ها، بررسی ذخایر وام‌های سوخت‌شده، نقدینگی، سلامت بانک‌ها و امثال آن، از جمله اموری است که باید به آن توجه شود.

تدوین و اجرای سیاست‌های پولی فعال

محدودیت‌های موجود در راه تدوین و اجرای سیاست‌های پولی فعال، در دو گروه محدودیت‌های ساختاری قانون و محدودیت‌های عملکردی قابل بررسی است. در قوانین و ساختارهای موجود در زمینه سیاست پولی، استفاده از نرخ‌های سود سپرده و تسهیلات بانکی وجود ندارد. در حیطه عملکرد نیز بانک مرکزی جز نسبت سپرده قانونی، ابزار سیاست پولی مؤثری برای طراحی و اجرای سیاست‌های پولی فعال در اختیار ندارد. انعطاف‌ناپذیری و نبود ابزارهای سیاسی غیرمستقیم باعث شده است که دولت و بانک مرکزی در دهه‌های اخیر در سیاست‌های پولی و اعتباری، از ابزارهای کنترلی مستقیم مانند سقف‌های اعتباری و نرخ‌های اداری استفاده کنند. اختلالات ناشی از مداخلات دولت و استفاده‌های وسیع از ابزارهای کنترلی مستقیم منجر به گسترش بازار موازی پول و وجود نرخ‌های سود بالا در این بازارها شده است. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که تعداد بسیار زیادی از صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، با حجم قابل ملاحظه‌ای از منابع پولی در بازار موازی پول فعال هستند. از طرف دیگر، وجود نرخ‌های اداری و سود بانکی پایین، نه‌فقط باعث ایجاد رانت اقتصادی در بازار می‌شود، بلکه به دلیل منفی شدن نرخ سود واقعی سپرده‌ها، روند تجهیز پس‌اندازهای بخش خصوصی و منابع مالی مورد نیاز، رشد و توسعه اقتصادی کشور را به‌گونه‌ای معکوس تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (Bateni & Yazdanshenas, 2006)

در سال‌های گذشته، دلیل بخش عمده‌ای از نرسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده (به‌ویژه در برنامه‌های اول و دوم توسعه)، حاکمیت نظام دولتی و مؤسسات اعتباری، سیستم پولی و بانکی کشور و نبود شرایط رقابتی در بازار پول بوده که به‌گونه مستمر، سطح کارایی نظام بانکی کشور را به‌طور محسوسی کاهش داده است. با ادامه روند کنونی، نظام بانکداری از مهم‌ترین وظایف اصلی خود که همانا تجهیز مؤثر و تخصیص بهینه منابع پولی برای تأمین رشد بلندمدت و کنترل تورم، تأمین تعادل پولی اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری نسبت به تکانه‌های واردشده است، عقب خواهد ماند. با توجه به نارسایی‌ها و مشکلات نظام بانکداری، اصلاحات اساسی ساختار آن ضروری به نظر می‌رسد. اصلاحات ساختار نظام بانکی و نهادهای حاکم نیز به تدوین قوانین و نظارت بر امور بانک‌ها، اصلاح ابزارهای سیاست‌گذاری پولی و استفاده از ابزارهای کارآمد سیاستی بستگی دارد. در بخش مشکلات ساختاری و نهادهای نظام بانکی و در کل بازار پول باید به اصلاح وضعیت و ساختار مالی بانک‌ها برای دستیابی به یک پرتفوی قابل قبول توجه کرد. استقرار نظام مالی کارآمد بدون افزایش رقابت فعال بین بانک‌ها و دیگر واسطه‌های مالی در کشور ممکن نیست. در شرایط موجود، بانک‌ها و همه سرمایه‌گذاران نهادی، دولتی هستند. درجه رقابت‌پذیری بین آن‌ها به لحاظ ساختار دولتی و وجود مقررات انعطاف‌پذیر بسیار ضعیف است. علاوه بر حذف سقف‌های اعتباری، ایجاد و انعطاف بیشتر در نرخ‌های سود و تسهیلات لازم است اقدامات جدی برای افزایش رقابت و بهره‌وری به عمل آید. (Behkish, 2010)

نتیجه‌گیری

هرچه نهادهای ملی و نظام حقوقی، بیشتر مشوق رقابت و مالکیت خصوصی باشند و بتوانند متناسب با نیازهای در حال تغییر اقتصاد ملی متحول شوند، عملکرد نظام بانکی نیز مطلوب‌تر خواهد بود. هرچه مقررات محدودکننده بر ورود و فعالیت‌های نظام بانکی کمتر باشد و از آن طرف، مقررات مربوط به نظارت و کنترل‌های داخلی نظیر شفاف‌سازی اطلاعات، استانداردهای ذخیره‌گیری، کفایت سرمایه، طبقه‌بندی وام‌ها، راهبری اثربخش بنگاه و کنترل و نظارت بر آن توسط بخش خصوصی دقیق‌تر باشد، کارایی نظام بانکی نیز افزایش خواهد یافت و احتمال وقوع بحران در آن کمتر

خواهد بود. ضمن آنکه تمرکز بازار، بر سودآوری بانک‌های بزرگ و کارایی آن‌ها نیز اثر مثبت دارد.

مؤسسات اعتباری که بانک‌ها، رکن اساسی آن شناخته می‌شوند، هنگام در اختیار قرار دادن انواع تسهیلات اعطایی به مشتریان خود باید بررسی‌های کامل کیفی و کمی برای شناخت متقاضیان خود انجام دهند که به‌طور عام، این بررسی‌ها را اعتبارسنجی می‌نامند. اعتبارسنجی مشتریان در ترسیم تصویری شفاف از وضعیت و توانایی مشتری در ایفای به‌موقع تعهدات، بازداشتن آنان از استفاده بیش از حد منابع و سقوط به ورطه بحران مالی نقش اساسی دارد. محورهای انجام اصلاحات ساختاری در نظام بانکی شامل مقررات‌زدایی و آزادسازی اقتصادی و پیش‌نیازهای خصوصی‌سازی بانک‌هاست. در بحث مقررات‌زدایی، حذف مقررات زائد در نظام بانکداری می‌تواند بانک‌ها را به مدیریت بهتر سبد دارایی، اعطای وام‌های کاراتر، کاهش قیمت و افزایش کیفیت خدمات وادارد که به تغییر ساختار بازار به حالت رقابتی و افزایش آن بین بانک‌ها بستگی دارد. آزادسازی اقتصادی در اصل و مفهوم کلی نیز بر نفی دخالت دولت در اقتصاد و نظام بازار (به‌خصوص قیمت‌گذاری کالاها و خدمات) دلالت دارد و به معنی مقررات‌زدایی، آزادسازی قیمت‌ها و شکستن انحصارات است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

International commercial contracts operate within an increasingly interconnected legal, financial, and technological environment in which the competitiveness of firms, banks, and national economies depends not only on productive capacity and market access, but also on the quality of legal institutions, banking regulations, financing mechanisms, and the predictability of contractual enforcement. In contemporary international trade, banks perform a central role as financial intermediaries, providers of credit, guarantors of payment, facilitators of foreign-exchange transactions, and institutional actors responsible for supporting the circulation of capital across national borders. Consequently, deficiencies in banking regulation, weaknesses in financial supervision, limitations in access to international financing instruments, and inconsistencies between domestic and international legal standards can directly undermine the competitiveness of international commercial transactions. The development of globalization, digital commerce, electronic banking, and transnational investment has intensified the need for greater harmonization of commercial and financial regulations, because substantial differences among national legal systems may increase legal uncertainty, transaction costs, contractual risk, and the likelihood of disputes. In this context, the existence of transparent, stable, and predictable laws is particularly important for improving the legal security of international contracts and strengthening investor confidence (Jahangiri, 2019; Karimi & Mohammadi, 2020). Moreover, international competitiveness increasingly requires banking systems capable of responding flexibly to changing economic conditions, providing efficient financing, applying reliable credit assessment mechanisms, and complying with contemporary standards of financial governance and supervision. The competitive position of banks is therefore closely connected to the institutional structure of the economy, the degree of market competition, the quality of electronic banking services, and the regulatory environment within which financial institutions operate (Meshkedanian & Hosseinzadeh Shahri, 2020; Nasehifar et al., 2021). In Iran, these issues acquire particular

importance because the banking system has historically played a dominant role in financing both short-term and long-term economic activities, while capital-market limitations, governmental intervention, sanctions, foreign-exchange restrictions, regulatory fragmentation, and deficiencies in international banking relations have constrained the ability of domestic firms and banks to compete effectively at the international level. From this perspective, strengthening competitiveness in international commercial contracts requires coordinated legal and financial reforms that simultaneously address commercial regulation, banking supervision, access to financing, transparency, institutional accountability, and compatibility with international standards.

The present study was conducted with the objective of examining legal strategies for enhancing competitiveness in international commercial contracts, with particular emphasis on reforming banking and financing regulations. The study adopted a descriptive-analytical approach and examined the relationship among legal structures, banking regulation, financing mechanisms, commercial competitiveness, and institutional reform. The analysis focused on several interconnected dimensions, including the concept and levels of competitiveness, competitiveness in the banking sector, international competitiveness, the legal and economic components of international commercial contracts, banking resilience, legal and financial security of contracts, challenges arising from banking and monetary regulations, weaknesses in regulatory supervision, administrative corruption, electronic banking, deregulation, privatization, and structural reform of the banking system. Competitiveness was considered not merely as the capacity to increase market share, but as a multidimensional capability through which firms, industries, and national economies maintain or improve their position in domestic and international markets over time. At the firm level, competitiveness is associated with efficiency, product and service quality, adaptability, financing capacity, innovation, and the ability to manage contractual and market risks. At the national and sectoral levels, it is shaped by institutional quality, market structure, economic freedom, regulatory transparency, access to finance, and the effectiveness of legal and supervisory mechanisms (Hosseini, 2017; Mobini Dehkordi & Rasoulnejad, 2011; Pakbaz, 2015). In the banking industry, competition has distinctive characteristics because banks operate under conditions of information asymmetry, systemic risk, regulatory constraints, capital requirements, and significant externalities. Accordingly, increasing banking competition cannot be separated from prudential regulation and effective supervision (Gholich, 2016; Poostinchi et al., 2016). The study also considered legal and financial security as essential components of international contracts, because contractual transparency, enforceability of obligations, banking guarantees, letters of credit, foreign-exchange stability, and reliable dispute-settlement mechanisms directly influence the willingness of investors and commercial parties to enter into cross-border transactions. Therefore, the analytical framework of the study regarded competitiveness as the outcome of interaction between legal predictability, institutional efficiency, banking capacity, financing accessibility, and regulatory coherence.

The findings indicate that one of the principal barriers to the competitiveness of international commercial contracts is the existence of structural and regulatory weaknesses within the banking system. Excessive governmental intervention, restrictive regulations, insufficient market

competition, weak supervisory mechanisms, inefficient allocation of financial resources, and inadequate credit-risk management can collectively reduce the ability of banks to support international commercial activity. In particular, the persistence of cumbersome regulations and administrative controls can increase the cost of financial intermediation, reduce institutional flexibility, and weaken incentives for innovation and efficiency. Deregulation, if implemented gradually and within a coherent supervisory framework, can facilitate more efficient portfolio management, improve credit allocation, reduce service costs, and increase competition among financial institutions (Javadipour & Hassanzadeh, 2004; Poostinchi et al., 2016). However, deregulation should not be interpreted as the elimination of prudential oversight. Rather, the study demonstrates that effective reform requires reducing unnecessary restrictions while simultaneously strengthening regulations governing information transparency, capital adequacy, loan classification, provisioning, corporate governance, internal controls, and risk management. In this regard, the experience of banking crises demonstrates the importance of robust supervisory institutions and adequate capital and liquidity frameworks. The evolution of international banking supervision, particularly through the Basel regulatory framework, reflects growing recognition that resilience requires stronger capital buffers, improved liquidity management, more comprehensive risk assessment, and market discipline (Beigi, 2021b). Furthermore, deficiencies in monetary policy and frequent changes in interest-rate, foreign-exchange, and credit policies can undermine the predictability required for long-term commercial contracting. Stable and coherent monetary policies are therefore essential for improving the operating environment of banks and reducing uncertainty for firms engaged in international transactions (Daneshvar, 2017). The findings further suggest that the competitiveness of Iranian banks is affected by the continuing influence of government-directed lending, preferential credit allocation, administrative interest rates, and insufficient managerial autonomy. These conditions weaken market discipline and may discourage banks from developing advanced risk-assessment and portfolio-management capabilities, thereby reducing the efficiency of financial intermediation and the quality of support available for international commercial contracts.

Another major finding concerns the relationship between financial transparency, corruption control, credit assessment, electronic banking, and competitiveness. Banking corruption and administrative corruption create direct and indirect costs for commercial actors by reducing trust, distorting resource allocation, increasing transaction costs, and weakening legal certainty. Where financial processes are opaque and supervision is ineffective, opportunities for rent-seeking, preferential access to credit, misuse of banking resources, and other forms of misconduct are more likely to emerge. The evidence reviewed in the study suggests that strengthening banking supervision, improving transparency, increasing institutional accountability, and establishing more effective anti-corruption mechanisms are essential for both financial stability and commercial competitiveness (Bougatef, 2017; Ghaemi Asl & Valaei, 2020b; Jamour & Morattab, 2023). Customer credit scoring constitutes another important component of structural reform because accurate credit assessment can reduce adverse selection, improve lending decisions, limit excessive borrowing, and strengthen banks' ability to manage credit risk (Maghsoudi, 2021; Shahmohammadi, 2018). Similarly, electronic

banking and the broader digitalization of financial processes can increase transparency, reduce administrative costs, improve access to banking services, accelerate transactions, and reduce opportunities for discretionary or corrupt practices. The development of electronic banking is particularly important for international commercial transactions because it facilitates faster information exchange, electronic payment systems, digital documentation, and integration with international financial networks (Linan de Bellefonds, 2011; Nasehifar et al., 2021). Nevertheless, technological modernization requires supportive legal frameworks, secure digital infrastructure, appropriate electronic-signature regulations, and institutional readiness. The study also identified foreign-exchange instability, multiple exchange rates, sanctions, and restrictions on international banking relations as substantial barriers to competitiveness. Multiple exchange-rate systems may generate economic rents and undermine transparency, while banking sanctions increase the cost and risk of international payments, limit access to financing, and complicate the use of conventional trade-finance instruments. These pressures weaken the ability of domestic firms to execute international contracts efficiently and may reduce the attractiveness of the national market to foreign investors (Kimasi & Khoshnevis, 2020; Tanhaei, 2020). Consequently, enhancing competitiveness requires not only internal regulatory reform but also improved institutional capacity for managing external financial constraints.

The results further demonstrate that legal reform must address the interaction between domestic commercial law, banking regulation, international legal standards, and contractual enforcement. International commercial contracts depend on a predictable legal environment in which the rights and obligations of the parties are clearly defined, financial obligations can be performed efficiently, and disputes can be resolved through reliable mechanisms. Inconsistencies among commercial legislation, banking rules, foreign-exchange regulations, and international obligations can create significant uncertainty and increase the legal and financial risks associated with cross-border transactions. Greater harmonization of national rules with internationally recognized standards can therefore strengthen legal certainty and facilitate the integration of domestic firms and banks into international markets (Ahmadi & Hosseini, 2019; Forg, 2022). The study also shows that privatization and economic liberalization can contribute to improving banking competitiveness when they are accompanied by genuine competition, appropriate governance, transparent ownership structures, and effective supervision. Privatization alone is insufficient if private institutions continue to operate within an environment characterized by administrative price controls, weak market discipline, preferential access to resources, or regulatory inconsistency. Effective liberalization requires a transition from direct governmental intervention toward a regulatory model in which the state establishes transparent rules, protects competition, monitors systemic risk, and ensures compliance with prudential standards (Behkish, 2010; Hamidi Sahneh, 2008). In parallel, strengthening the independence, expertise, and enforcement capacity of banking supervisors can reduce regulatory arbitrage and increase confidence in the financial system. Administrative and prudential supervision should focus on ensuring the safety and soundness of institutions without unnecessarily interfering in ordinary commercial decision-making. These reforms can improve the quality of bank management, strengthen credit allocation, reduce non-performing loans, and increase the

capacity of banks to support internationally competitive firms. Accordingly, the legal enhancement of competitiveness requires an integrated approach combining deregulation, stronger prudential regulation, improved financial governance, electronic banking, credit assessment, anti-corruption measures, legal harmonization, stable monetary policies, and more efficient mechanisms for international financing.

In conclusion, the competitiveness of international commercial contracts is inseparably linked to the efficiency, transparency, resilience, and legal structure of the banking and financial system. A banking system that is burdened by excessive administrative restrictions, unstable monetary policies, weak supervision, corruption risks, limited international connectivity, and inefficient financing mechanisms cannot provide the legal and financial infrastructure required for sustained international competitiveness. Structural reform should therefore seek to reduce unnecessary regulatory barriers while simultaneously strengthening prudential supervision, information transparency, corporate governance, capital adequacy, risk management, and accountability. The expansion of electronic banking, modernization of financial infrastructure, development of reliable customer credit-scoring systems, and improvement of international payment and financing mechanisms can significantly increase the efficiency and security of cross-border commercial transactions. At the same time, national commercial and banking laws should be made more coherent, predictable, and compatible with relevant international standards in order to reduce legal uncertainty and facilitate the execution of international contracts. Economic liberalization and privatization can also contribute to competitiveness, provided that they create genuine competition rather than merely transferring ownership without improving governance or market discipline. More broadly, the role of the state should gradually shift from direct intervention in banking and credit allocation toward effective regulation, supervision, market facilitation, and protection of contractual and property rights. Such reforms can reduce the probability of financial crises, strengthen investor confidence, improve access to financing, and create a more predictable environment for domestic and foreign commercial actors. Ultimately, sustainable competitiveness in international commercial contracts depends on the establishment of a balanced legal and financial framework in which competition, stability, transparency, financial innovation, effective supervision, and contractual security reinforce one another and enable firms and financial institutions to participate more effectively in the global economy.

References

Aburame, T. U. (2009). Impact of Corruption on Bank Profitability in Nigeria. *EuroEconomica*, *23*(2).

Ahmadi, M., & Hosseini, S. (2019). *International Trade Law and Commercial Contracts*. Mizan.

Arabi, S. H., & Bokiya, S. (2019). Identifying and Prioritizing Effective Strategies for Realizing a Resilient Economy in Islamic Banking in Iran Using AHP. *Biannual Journal of Iranian Economic Essays*, *16*(31), 221-244.

Bateni, E., & Yazdanshenas, M. (2006). A Review of the Formation Process of E-Government and Its Challenges. *Islamic Law*(9), 88.

Behkish, M. M. (2010). *Iran's Economy in the Context of Globalization*. Ney Publishing.

Beigi, H. (2021a). Strategic Framing of Banking Crimes in Monetary and Banking Policymaking. *Strategic Studies of public policy*, *11*(38), 171.

Beigi, H. (2021b). Strategic Framing of Banking Crimes in Monetary and Banking Policymaking. *Strategic Studies of public policy*, *11*(38), 61.

Bougatef, K. (2017). Determinants of Bank Profitability in Tunisia: Does Corruption Matter? *Journal of Money Laundering Control*(20).

Daneshvar, B. (2017). *Resilient Economy and Islamic Banking in Iran*. Navid Shiraz Publications.

Ebrahimi, M. (2018). *Market Structure and Competitive Conditions in Iran's Banking*

System First National Conference on Industrial Economics of Iran, Tabriz, Iran.

Eslami Bidgoli, G., & Kashanipour, M. (2004). Comparison and Evaluation of Bank Branch Efficiency Measurement Methods and Presentation of an Appropriate Model. *Quarterly Journal of Accounting and Auditing Review*, *11*(38), 3-17.

Farahsa, F. (2021). International Commercial Arbitration. (pp. 44): Faculty of Law, Islamic Azad University, Tehran Central Branch

Farmanara, V., & Ghaffari, F. (2019). Presenting a Model and Indicators for Evaluation and Supervision of Iran's Banking System Based on Upstream Documents, Models, and International Experiences of Other Countries. *Defense Economics*, *4*(12), 35.

Forg, E. C. (2022). *Dispute Settlement Practice in the World Trade Organization*. Embassy of the Islamic Republic of Iran, Brussels.

Ghaemi Asl, M., & Valaei, F. (2020a). Examining the Effect of Administrative Corruption on Financial Health in Iran's Banking System. *Economic Research*, *20*(2), 55.

Ghaemi Asl, M., & Valaei, F. (2020b). Examining the Effect of Administrative Corruption on Financial Health in Iran's Banking System. *Economic Research*, *20*(2), 144.

Gholich, V. (2016). The Position and Instruments of Corporate Governance in the Islamic Banking System. *Quarterly Journal of Islamic Economics and Banking*, *5*(14), 87-110.

Hamidi Sahneh, M. (2008). Entry of Private Banks and Its Effect on Interbank Competition. *Bank and Economy Journal*(94), 49-65.

Hosseini, M. (2017). *Competition Law: In the Mirror of the Structure and Decisions of the Competition Council*. Majd Publications.

Jafari, D. (2021). The Effect of Credit Insurance on Credit Risk Management in Small and Medium-Sized Enterprises. *Judicial Law Perspectives*(95), 67.

Jahangiri, P. (2019). *Transparency and Stability of Laws in International Commercial Contracts*. Scientific and Cultural Publishing Company.

Jamour, H., & Morattab, Y. (2023). *Examining the Institutions Responsible for Combating Corruption in the Islamic Republic of Iran*.

Javadipour, S., & Hassanzadeh, A. (2004). *Deregulation in the Banking System*. Monetary and Banking Research Institute.

Karimi, A., & Mohammadi, F. (2020). *International Trade and Banking Regulations: A Comparative Analysis*. University of Tehran Press.

Khodadad Kashi, F., & Hajian, M. (2014). Measuring Market Power in Iran's Banking Industry during 2001-2010. *Quarterly Journal of Economic Modeling Research*, *4*(15), 95-116.

Kimasi, M., & Khoshnevis, M. (2020). Examining the Quality of Foreign Exchange Services of Iranian Banks during Sanctions. *Advertising and Sales Management*, *1*(1), 33-49.

Larijani, N., Hasan, & Afkham, A. (2023). *Preferential Tariffs in the Global System of Trade Preferences*. Institute for Trade Studies and Research.

Linan de Bellefonds, X. (2011). *Electronic Commerce Law* (2nd ed.). Shahr-e Danesh.

Maghsoudi, J. (2021). *Credit Scoring of Post Bank of Iran Customers* (1st ed.). Hanoon.

Meshkedanian, F., & Hosseinzadeh Shahri, M. (2020). Explaining the Dynamics of Competitive Behavior Based on the Marketing Mix: A Study of the Banking Industry. *Brand Management*, *5*(1), 107-134.

Meshki Miaoghi, M., & Delirian, A. (2015). Examining Earnings Persistence, Industry Structure, and Market Power in the Tehran Stock Exchange. *Commercial Survey Quarterly*(76), 1-27.

Mirloo, S., & Sheikhi, A. (2019). *The Effect of Foreign Exchange Service Quality, Trust, and Perceived Value on Customer Loyalty in Iran's Banking Industry* Fourth National Conference on Business and Commerce Management, Tehran, Iran.

Mishkin, F. S. (2009). *The Economics of Money, Banking, and Financial Markets* (Vol. 1). Higher Institute of Banking Education.

Mobini Dehkordi, A., & Rasoulnejad, E. (2011). *Shaping the New Banking Environment: A Knowledge-Based Approach*. Noor-e Elm.

Monetary, & Banking Research, I. (2002). *Collection of Circulars of the Supervision Management and Banking Affairs Department of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran*.

Nasehifar, V., Dehdashti Shahrokh, Z., Mohammadian, M., & Allahverdi, M. (2021). A Multilevel Model of Customer Experience Management in Electronic Banking Services. *Modern Marketing Research*, *11*(2), 26.

Nikbakht, H. (2003). The Legal System of the World Trade Organization. *Journal of Legal Research*(37), 89.

Pajouyan, J., Khodadad Kashi, F., & Shahiki Tash, M. N. (2011). Nonparametric Evaluation of the Gap between Price and Marginal Cost in Iranian Industries within a Cournot Model. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, *8*(2), 95-121.

Pakbaz, S. (2015). *Abuse of Dominant Economic Position in Competition Law*. Mizan.

Piltan, F. (2012). The Legal Regime for Dispute Settlement in the World Trade Organization. *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research (Encyclopedia of Law and Politics)*, *8*(17), 19.

Poostinchi, M., Tahsili, H., & Karimzadeh, M. (2016). The Effect of Competition in the Banking Industry on Bank Stability. *Biannual Journal of*

Monetary and Financial Economics, *11*(23), 123-145.
Ramezan Ahmadi, A., Vaezi, S. A., Arman, S. A., & Dorseh, S. S. (2017). The Effect of Product Market Competition on Stock Price Crash Risk. *Financial Accounting Knowledge Quarterly*, *4*(3), 117-142.
Rostami, V. (2017). Examining the Causes and Prevention Methods of Administrative Corruption. *Prevention Approach*(2), 43.
Salehi, M., & Zarandi, S. (2013). The Role of Electronic Procurement and Supply in Combating Administrative Corruption. *Public Policymaking in Management*(11), 59.
Shahiki Tash, M. N., & Abdi, Y. (2016). Measuring the Degree of Competition in Iran's Banking Market: Hall-Roeger Approach. *Quarterly Journal of Economics and Modeling*, *7*(25), 47-73.
Shahmohammadi, R. (2018). *Bank Credit: From Customer Credit Scoring to Debt Collection* (1st ed.). Noor-e Elm.
Tanhaei, M. (2020). *Bank Power, Competition, and Financial Flexibility in Banks of Selected Middle Eastern Countries* First Conference on Accounting and Management,
Vijeh, M. (2010). *Theoretical Foundations and Structure of the Rule-of-Law State* (3rd ed.). Jangal.
Zaeim, A. (2017). Typology of Financial Crises with Emphasis on Banking Crises. *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, *5*(18), 43.